

سوال نمود که آیا سزیر روس را حق آن هست که بدون مشاوره با سزیر انگلیس قشون بطرف طهران حمله نماید

(سرادوردگری) جواب داد که چون شهر هاییکه تا اس است نزدیک سرحد روس است و اگر ایگوه وایمه درش ره ای قرب سرحد هند واقع میگردد ما را هم اختیار بود که ملاحظه حفظ منافع خویش هان گوه اقدامات را به ما ایم و این اختیارات را از هیچ دولت سلب نمیتوان نمود دولت روس هم در اقدامات خود تاکنون آنچه بوده دولت انگلیس را در نظر نگذاشته است

حبل المتین

(سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان مانند سایر ارباب پلنگ گویارای خویش را تبدیل داده بلکه اقوال ابتدای خود که علی اروس اظهارندم مداخلت در امور داخله ایران است فراموش نموده است مهم فرمایشات ایشان این است که اگر ما حلو گیری از اقدامات مسلحه روس با ایم پای محق خود مایه ایم ببارت پلنگی میگوید که روسها آنچه در ایران و قطعه خود میباید راه برای ما در خوب صای میکنند چه حقوق ما در شمال و جنوب و نقاط راحه معامله یکسان است ، ما زمان پلنگی شرکت دولت انگلیس را در اقدامات روس طاعمر مبدار یعنی این ار آنکه مداخلت های مسلحه روس را در طهران و غیره لازم قرار میدهد تصویب و تجویز انگلیس را در آن اقدامات سرأ طاعمر مبدار و برای اطمینان خاطر اتصای پارلمان در آخر جواب خود کما یه اطلاع من التمریح اظهار مبدار که روس تا کسوم هر ادای کرده ما خبر داده یعنی ارین و بعد هم آنچه بکند ما اطلاع ما خواهد بود

این بیانات بخوبی طاعمر مبدار که در هر اقدام دولتی روس و انگلیس در معاملات ایران توام قدم رده و خرابدرد و ، ار وسامتی که اختیار نموده اند حیات ملک و ملت را باین وضع کشاید و هر وقت ملت مستمند شده خواسته امر را بکطرفه نماید خردی در میان اداخته کار را عقب انداخته اند حالت روسها که عقب بهانه میگردند معلوم و در حرکات غاصبانه نموده ، که مانند انگلند داشته باشد ، تمام شان

لازم به بیان نیست

ولی خوب است از جناب سرادوردگری سوال شود که معنی عدم مداخلت در یک مملکت همین مناسبتی است که اختیار فرموده اند ؟ آیا در هر صدمه سه سال انقلاب پلنگی ایران کدام حقوق خارجه تلف شده کدام مال و جان اتباع اجنبیه صایب گردیده است که تا این درجه تصرف امور داخله ایران را تجویز می نمایند آیا این قصاص قبل از جنایه مخصوص بایرانیان معلوم است آیا جناب سرادوردگری میتوانند نشان دهند که در انقلاب پلنگی هیچ مملکت رعایای خارجه تا این درجه در اس و امان مانده باشند که در ایران مانده اند

ار آن باید ترسید که ایرانیان از خواب غفلت بیدار شده و در ازای این همه حسن سلوک تا آن درجه بد سلوکی که ملاحظه نمایند آن امنیت برای خارجه برقرار نماید و می بینم که عنقریب اگر دولتی تیر مسلك بدهند اوضاعی در ایران پیش آید که احدی از خارجیان مأمون پال و جان خود نباشند و ذمه دار آن اوضاع ناگوار مسلك غیر حق نایندانه دولتی روس و انگلیس خواهند بود

(۲۲ ج ۲ - ۱۱ جولای)

نی مخبر روتر از طهران خبر میدهد که امروز صبح هزار و دویست نفر قشون دولتی حمله نمودند سنگری از سنگرهای ملتبان که فاصله پانزده مپلی طهران است و دو ساعت کامل بر آمان شلیک کرده توانستند آنها را عقب نشاند

مکتوب حجت الاسلام زاده طباطبائی

(از مشهد مقدس)

امروزه موقع بسیار باریک است ، اجانب هر يك بحیال شخصی یعنی اقتصای پولتوت مملکتی اندامی مینمایند یکی مادراء خیال سرورستی وطن عزیز را دارد . دیگری هر ای ما خیالات درباریان مینماید ، و قصد هر دو ایسا یکی است ، یعنی خیالشان معدوم نمودن دولت اسلامی است ، امروز هم دو دولت اسلامی مستقل بجز نیست ، یکی دولت علیه عثمانی است که آنها بتوسط علم خود را از چنگال اجاب بیرون آورده و یکی هم ایران است که از جهل و نفاق بخود مان اجاب را بر سر است و مملکت میکنیم

(باکم از ترکان تیر انداز نیست)

(طعنه تیر آوارانم میباشد)

ترس ما از اجانب نیست زیرا که هزاران وسیله میتوانیم جلوگیری از آنها بکنیم ، بیم ما امروز از بعضی خودمآپهاست که نه معنی شرف را فهمیده نه وطن را میدانند ، با کمال بی ناموسی دست پادمان اجانب زده آنها را دعوت به مداخله میکنند ، بعضی از آنها را شنیده ام که میگویند راضی هستیم اجانب دست بناموس مان زده و احرار مملکت را آباد نمایند ، خدا میداند که از مشاهده این اوضاع به تنگ آمده و مکرر میگویم (یا لیتنی مت قبل هذا لیوم) حاجب دارم که چطور میشود اسانم به این اندازه بی ناموس باشد که به بند اجانب مداخله در ومان عزیزش مینمایند و باز هم دست از اذیت نکشد ، اعوذ بالله من شر الیائمه و اما اگر مجامده احرار نمیبود این مملکت تاکنون نمیدام بچه حال بود ، ولی آفسوس که نمیگذارند کسی را آسوده باند و درصدد خدمت ملت باشد ، هر روز یک ونکی تازه باب زده و باعث تمویق کارها شده بی چاره اشخاص محترم را توهین مینمایند ، یکی از نیرنگ های آنها این است که هرکس را تا یک اندازه کاری می یبند هزار وسیله بطرف خود جلب مینمایند ، اگر راهها بر آنها مسدود شود آنوقت بتوسط راپورت های جعلی در افواه والسه آن شخص را مستبد جلوه داده و آقدر لایحه بروزنامهجات مینویسند تا آنکه آن شخص را مجبور باستبداد کرده ، یا لا اقل از خدمت بملتش باز میدارند ، کما اینکه در روزنامه مقدس نمره چهل در ستون دوم در سطر نهم دیدم که در خصوص جناب مفتاب آقای آقا میرزا ابوالقاسم فرزند حجة الاسلام طباطبائی بعضی چیزها نوشته شده بود که ایشان در مجلس روز سوم ربیع الاول ماریتاری از استبداد نموده و گفته اند ، که « اکثریت آراء مخالف مذهب اسلام است خیلی تعجب کردم ، بنده خودم یکی از خانه زادان حجة الاسلام طباطبائی هستم و اکنون هم در مشهد در خدمت ایشان میانم و برادر خود را میشناسم ، آقای آقا میرزا ابوالقاسم کسی نیست که طرف دار استبداد شود ، و مخصوصاً در همان مجلس ماریتاری از ملت بخورده بودند ، و در جواب لایحه شیخ نوری که گفته بود بشریطه اسلام است ، گفته بودند تا کی اشتباه

چه ربطی به مذهب اسلام دارد . و از این مقوله خیل بیان نموده بودند ، ولی مجلسیان قیل و قال نموده مطالب ایشان را از بین بردند و ایشان هم از مجلس بطور قهر بیرون آمدند و بواسطه همین دولتی ها ایشان را تخویف نموده حتی اینکه شب در خانه ایشان زدگ انداختند ، کاند جاتیکه حضور مبارک حجة الاسلام عرض کرده اند چه خود ایشان و چه اشخاص دیگر حاضر است ، بهترین شاهد های عرایض من روزنامه جبل المتین یومیه منطبعة رشت است که در آن روزنامه شرح گشتگوی ایشان را نوشته اند ، فقط کسی که آنروز ماریتاری ملت را نمود ایشان بودند ، نمیدانم کدام کس این راپورت را بحباب عالی نوشته است ، راپورت دهنده یا مرض بوده یا ساده لوح و گول مریضزرا خورده است ، اگر هم یک زمانی ایشان با دربارها آمد و شد کرده بواسطه این بود که عقیده ایشان این شر است (آن کسانیکه آهنین مشتند)

(دشمنان را بدوستی گشتند)

آنها بعد از این واقعات و پیش رفتن کار خود شان را عقب کشیده و در حله نشسته اند ، مستعدی است تحققات لازمه فرموده آنوقت بدانید که از نسل حجة الاسلام طباطبائی مستبد و مخالف حقوق ملت بوجود نخواهد آمد ، مستعدی است عین این ورقه را در روزنامه درج فرمائید تا رفع شبه از مردم بشود (عبدالهادی ابن محمد الحسینی الطباطبائی)

« جبل المتین »

اداره جبل المتین رسماً تردید می نماید نکارشات نمره چهل سال شانزده را که در حق جناب مستجاب آقا میرزا ابوالقاسم حجت الاسلام زاده طباطبائی مدظله را و تأیید می نمایم مقاله فوق را و الحق دور از قیاس عقلانی است که از خانواده حجت الاسلام طباطبائی که محیی ملت و مؤسس مشروطیت و بلند کننده بیرق عدالت اسلامی میباشد مخالف عدالت که انحراف از حق است بشود و نکارنده آن مکتوب سهو نموده و مستبدین بروی اشتباه کاری کرده یا میرزا ابوالقاسم امام جمعه را بجای حجت الاسلام زاده طباطبائی اشتباهاً نوشته اند و ما ازین سهو بین صاحب مکتوب طبران از حضرت آیة الله طباطبائی و آقا زادگان ایشان مذرت

(و اللعنه علیهم کرام الناس مقبول)

کارنده محترمی از شیراز مینویسد

حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت

وانه فحیبه لارستان تاکنون برض رسیده، ولی چون انجمن اسلامی را در این باب متهم نموده اند و همچو اظهار داده اند که اعضاء این انجمن راضی بوده اند یا رأی داده اند حقیقت مطلب را بدو آختماً برض میرساند تا رفع اشتباه گردد

اولاً مشهور خاطر دانشمندان هست که از آغاز مشروطیت تا ایام تری و توتیف شورای ملی این انجمن محکم چه رنجها برده و چه زحمات کشیده و چه فداکاریها نمود

نایباً آنکه معلوم خردمندان گردیده که از سی سال قبل حضرت حجة الاسلام لاری بتدر متدور جلوگیری و مانع از تدبیرات قوامیان بوده اند، علاوه بر آنکه این طایفه یک نوع عداوت خاص بسلسله سادات داشته و دارند، و چندرها از سادات را در داراب بکشتن دادند مخصوصاً بواسطه زهد و قدس و تدانخواهی حضرت حجة الاسلام لاری عداوت مخصوص بمعظمه دارند، تا در این دوره مشروطیت پیش از پیش مانع تدبیرات خائانه آنها میشدند. حضرات لاری هم ارادتشان بر حضرت معظمه می ازود، حاجی علی قلیخان هم اگرچه مدت عاملی اش از طرف قوام بود ولی عداوت موروثی داشت، بواسطه ظلمهای چندین ماه مال هنگفتی از خون مظلومین زانو وار مکیده بود جمع نموده در این دو سه سال مثل بیشتر نتوانست دخل برشمار برود و منتظر یشتوان و کیکی بود، ولی ظاهراً با جناب حجة الاسلام همراهی داشت. محض آنکه قوامها نتوانند مداخله تمامه نمایند، لاجب علی بل بعضی معاریه المهار ارادات میگرد، بن قوام چون دیدند جناب حجة الاسلام از تدبیرات حاجیعلی قلیخانهم جلوگیری میفرماید و مانع از متاصد مشارالیه میشود موقی بدستان آمده متعار وقت بودند که بن لاریها و حاجیعلی قلیخان فتنه نمایند، برای انجسام مقصود خردشان بدخیالی نکرده بودند

بن از تمهید این دو مقدمه اکنون برسر مطلب رویم. و آنکه دو برادر از یاریین مراجعت نمودند را ترا وضع سلوک را با مردم تپیر داده از آن طرف حاجی اصناف الاوله را بونده های عراقین تطبیح نموده نامی لارستان را بر داشته چون جناب سید را عالم

از کار خود مبدانستند گشتند. چون دو سال طویل آنجا را نداشته ایم و بدر کشته ایم حضرات لاری بیخیم دیگر بر ما نظر مینمایند لازم است که در این ستر با اردو حرکت کنیم، با توب و سرباز حرکت نموده اول بداراب رفته حاجی از کوهستان ها را مقتول نموده مدد از لاریها رسید، قذح کردند، نزد حاجیعلی قلیخان نرسداده و بعد حکومت دائمی لارستان را باو داده خورده خورده توجه مشارالیه را از جناب حجة الاسلام بریده بسمت خود نمودند.

حاجی علیقلیخان حرکت نمود بجهت داراب که قوام الملک را ملاقات نماید و برگردد به لاری، در بیز راه وا داشتند تیری بمشارالیه زدند، گشتند از طرف لاریها بود، با پای تیر خورده بداراب آمد، موقی بهتر از این ندیده آتش شیبض و غضب حاجی علیقلیخان را افروخته وا داشتند که بکشتن بنویسد با مجاهدین لاری جنگ نمایند، در بین دعوا اشخاص مخصوصی را محک شده چند نفر از کسان مشارالیه را کشتند، عداوت جناب حجة الاسلام را در دل حاجی علیقلیخان محکم نمودند. از این طرف مجدداً بنای دعوائی با جناب شیخ ذکریا و کوهستانیها گذارده شکست خوردند، که خورده با حاجی علیقلیخان عود شیراز نمودند، در ماه محرم وارد ولدی او رود بایاس مشروعه خواهی داخل. چند نفر از اعضاء انجمن اسلامی را بونده های عراقین تریب داده گشتند، از همه جا صدان بلند شده انجمن ایالتی خود را منتقد نمودند جز شیراز، چرا تشکیل انجمن نپدیدند، از یکطرف سر آ محک شیخ ذکریا شده که بشیراز بیاید، بجهت اجراء مشروعه حضرات نیریزهارا برانگیختند که متصل بشیخ بنویسند بیا در اینجا مشروطه را جاری نما، از سابق بن دو محل از محلات باهم مانده بوده و عداوت داشتند، حضرات بهسارو را که همیشه جزء ابوالجلی پسران قوام بوده گشتند بروید بجهت شیخ آنها هم بایاس مشروعه خواهی بر شیخ وارد، شیخ ساده لوح باور کرده آنها را در اردوی مجاهدین راه داده

خلاصه حرکت بسمت نیریز کردند، وانچه نیریز لابد برض شریف رسیده که چه کردند، آن دو محل که از سابق باهم مانده بودند شیخ را محک بدخول در نیریز کرده، آتش فتنه برین دو طرف کشید، همان طایفه بهسارو که همیشه در اردوی مجاهدین بود

قتل و غارت شدیده، چند نفری را باسم اینکه بابی هستند
مقتول نموده فساد را بگردن شیخ بیچاره وارد،
بامارات و اکناف داخله و خارجه تلگرافا و کتبا بنای
مدت و بدگوئی از جناب حجة الاسلام لاری و شیخ
گذارد. کاغذ های جعلی بماء شیراز نوشتند، بمخال
خود حجة الاسلام و شیخ مجاهد را در انظار خار و
خزین کردند، مخصوص وا داشتند در نریز خانه دختر
قاسم خان که عروس حاجی آصف الدوله است غارت
کنند که کینه شیخ در قلب حاکم مملکت خوب جاگیرد،
این مقدمات را که فراهم نمودند آنوقت مستند تشکیل
انجمن ایالتی موقتی شده بدستباری جناب آقا میرزا ابراهیم
محلای ترتیب این کار را داده، این بود که وا داشتند
تلگرافی بشاه کرده که در نبره و شماره ۴۳ جبل اتین
درج بود

روز دوم ربیع الاول جناب میرزا تلمبا و ادهبان
شیر را در منزل مشیره زاده خود بمجهت اتحاد عمومی
دعوت کردند، شیر از جنابان آقا سید علی مجتهد
کازرونی و آقای حاجی علی آقای ذوالریاستین که ار قننه
کار میدانستند چه فسادی زیر سر دارند همه رفتند،
جناب حاجی علی آقا و جناب حاجی میرزا عبدالحسین
لابحه نوشته از حضور استعنا داده حاضر نشدند،
خطابه در آن محضر قرائت نموده همه را دعوت باتحاد
پسران قوام کردند، انجمن ایالتی موقتی در عمارت طبریز
الدوله که تمام مستبدین و پارتیهای پسران قوام بود
تشکیل دادند، سید جواد بوانات شیخ الاسلام، ملقب که
از پیش سر پارتی مستبدین بود و هر وقت داخل در
انجمن و کیسبونی میشد مشروطه خواه ها قطع سخن
میکرده او را نامحرم میدانستند، مبنای پول و اسب
داده که بمجهت جلوگیری آقا شیخ زکریا برود، این
آدم قسمی خود را خدمت حجتین اصنهان درست
کردار و راست گتتار قلم داده که آنچه بنویسد و حی
نزل میدانند، باری جناب سیدی از طرف انجمن
بوقتی حرکت نمود، آقا شیخ زکریا بمجردیکه شنید
انجمن ایالتی در شیراز برپا شده خودش برگشت، محتاج
یقین سید نبود، آن چند نفر از اعضاء انجمن جزئی
حق الزحمه از پسران قوام گرفته بمجناب حجة الاسلام
رفتند که مطمئن باشید پسران قوام ابدآ بسامان لار
نمانند، بحق الجماله آنها را بونده های عزتویی و
حق لاری گنجانید، حق ما قال الذمیر

- (و نجات لمن باع اضلایه یا ادمی)
- (و لدشتری دنیا باالدین اوجب)
- (و اذنب من هذین من باع دینه)
- (دنیا سوا و هو من ذاك اخب)

از این طرف نصرالدوله در انجمن اطهار داشت که
بگویند شیخ ابابکر آقا شیخ زکریا، میخواهد بیاید
خرامه ملک مرا تصرف نماید، برای جلوگیری از او و
اینکه عرب دست درازی بمحصل مردم نماید میخواهم
روم و ناچارم که نده از سر بز و توب هراه داشته
باشم، تقلا و کسانیکه از پیش آمد کار مطلع بوده
میدانستند که حبله و تدویر میکنند، هر قدر زیاد کردند
علاج نشد، مخصوص حساب مستطاب اجل آقا میرزا
مهدیخان وکیل الدوله که از وکلاء منتخب اول انجمن
هستند و شهید الله در عالم اسارت و مدنت و وض
خواهی گوی سبتت از همگان ر بوده بتر از سایرین
امتحان خود را داده چند کت فرموده هیچ مناسبت
ندارد با این ترتیب نصرالدوله برود، باری گوش سخن
شنو کجا دیده اعتبار کو - حرکت بست خرامه نموده
شب و نصف شب بارهای تفک و فشنگ و سورات
حل مینمودند، از آنطرف حاجی تلمباخان را فرستاده
با عده از تفنگچرای توحی و راشی تمام راه را سد
نموده همه قسم باب مکاتبات را مسدود کردند، آنچه
دوستان جناب حجة الاسلام لاری عریضه عرض کرده
بودند که قصه از این ترار است تمام کاندھا را گرفته
نگذارند نایشان رسد ولی کاندھای پارتی خود را
رسانیده بیچاره سید مفلوم را حاضر جمع کرده اطراف
خود را حلی نموده، علی الله وارد بر لار شدند، قلم
حبا میناید از شرح حال بیچاره ها به سکارد، مسلمان
نشود کافر نیند

همینکه قریب بلارستان شدند خورده خورده
پارتیها از انجمن حیره رفتند، اول خود جناب میرزای
حجة الاسلام محلای ناخوش شدند، همین قسم يك يت
تعارض نموده تا بکلی انجمن جزر شد، از مستبدین
جناب بیان السلطنه رئیس انجمن و قلیلی از مشروطه
خواه ها باقی ماندند، نته را که مستبدین برای قلع و
قع مشروطه خواهان شیراز کشیده بودند این بود که
نصرالدوله برود بلارستان آنها را که قلع نمود و قتل
و غارت کرد خبر بشیراز میرسد، لابد اسباب هیجان
بست میشود، بنای میاهو را میگذازند، رو بنزل قوام

میروند، آنهم از پیش هزار نفری قنکچی از بلوکات و صرب در خانه و اطراف محل پنهان کرده، میریزند این عده مشروطه خواهی که هتد همه را میکشند، در این نقشه سه مطلب را بنظر آورد.

اول آنکه اینکار و قنق لار مصادف با دستخط ملوکانه شود. بهسایه بدریار استبداد داده به سزاه خارج، که نامر و ذمه دار شده بگویند دیدید گنیم ایرانی قابل مشروطه نیست دوباره بنارا برهم زنند

دوم آنکه اگر مغلوب شدند یکدفعه با مستبدین مملکت و مادر وطن را بدست خود تسلیم اجانب نمایند سوم اگر ساکت مانند و صدان دادند غنیمت برده بن خود تقسیم نمایند، خوش از خونی که یکشب فاسد شود، مگر حج الاسلام آقا شیخ محمد باقر شریف وایع و سید مظلوم حاجی معین الاسلام را که کشتند چه شد، کی مؤاخذه کرد، کی داد خواهی نمود، گنج باد آوری بدست آورده سی کرور مال ملت مظلوم و آورده صد هزار تومان آنرا خرج نموده بمرثین میدیم، خود را میرهائیم، برائت ذمه مارا به مجلات عدیده نوشته بدست ما میدهند آسوده میشویم، ولی غافل از آنکه (بزرگی هست در عالم خدا نام)

این بود احمالی از تفصیل حال، غرض اصلی و مقصد کلی آنکه اگر دو سه نفر خود پسند بیخبریت بجهت دستمالی قیصریه را آتش زنند و مملکتی را بر باد دهند دختری با الم انجمن اسلامی ندارد، گرگی بلباس میش در آمده ما را ضایع مینماید

(چو در قومی یکی بی دانی کرد)
(به سکه را موزات ماده نه مه را)

دستند اشخاص در این انجمن که اگر تمام عیبت لار را تاها بدهند ادا قدسی برخلاف بخواهند گذارد، (خدمت ملت)

- اخبار سیستان -

همسایه شمالی از زمان امضا شدن عهد نامه ابداً در خاک سیستان دخالت نمیکند و تمام امور پلنگی را بدست همسایه جنوب مطابق تسیم جنرال پائی عهدنامه گذاشته از زمان ورود امیر حسام الدوله به بیرجند پسر بزرگش محمد رضا خان سرتب نایب الحکومه سیستان مقرر شده به انتهای پدرش از هیچگونه ظلم و تعدی در حق این یک مشت رعایای فلک زده خسی و خاشاک خور سیستان کوتاهی نمیکند، گویا قبایله را که دو سال

قبل روزنامه آفریقایان برای حکومت اول پدرش (که بمقصود نرسید) نوشته بود حکم آسپانی پنداشته، حرکات و حشبانه بی ناموسانه که نائب الحکومه در حق نوامیس رعایا مینماید ذکرش موثر شرم است چنانچه بتازگی سبب قتل ناموس یک از تجار محترم گردید

پدرش هم در بیرجند هر بی ناموسی را پیدا کرده قدری بشککش از او گرفته و اختیار جان و مال زارعین یک قریه را بدو میسپارد، از این واقعات در ثلث آخر این ماه سه دفعه اتفاق افتاده، اول قریه (خرینک) است که در عوض یک هزار تومان پیشکش واگذار کرد، دوم (حسین آباد) که جزو شهر نصیر آباد سیستان محسوب میشود، در عوض پانصد تومان نقد و یکصد و شصت خروار غله و سوم قریه (چلنگ) است چه کند او هم حق دارد، هشتاد هزار تومان قرض از بانک روس کرده تقدیم نموده از طهران بیرون آمده است، خصوصاً این روزها که موعدهش گذشته، این مشت ققرا پناهی جز خدا و بمالک خارجه ندارند و همه روزه متجاوز از بیست نفر بخاک افغانستان از راه مشهد بمالک روسیه فرار میکنند

کار گذار این محل هم در اسیب اوقات که دخل در مد نظر دارد با حکومت طرف میشود، لکن در این قبیل مواقع چون خودش در دخل شریک است مثلاً از یک هزار و هشتصد خروار تفصیل که پولش را از کدخدایان میگیرند و بی غار دادن رعایا و آوردن گاه و هیزم بدون عوض که هیچکدام جزو تبدیل نیامده حصه میبرد و ابداً نفس نمیکشد

هر چند که جناب ایشان گویا برای تعلق گرفتن و کیسه خود را برگردن بدار دنیا آمده اند، لکن بتازگی زاندا علی ماسبق بر تعلق افزوده، چه از طرف وزارت جنبه امور خارجه مأمور بوصول هشتاد هزار تومان قرض امیر شده و برای بد بدن ده یکس که هشت هزار تومان است در کمال فروخی و تعلق مطالبه میکند که مبادا حسام الدوله از او بطهران شکایت کرده و چون مبلغ معتابه است مأمور مخصوص برای این کار از طهران معین شود

پشتیان زارعین این نقشه فقط آقای ملا محمد مهدی محمد که خدایش پاینده ندارد هستند، ایشان هم مدعی های نخراننده هر چو...

الاجتهاد الشريف حضرت مستطاب ملاذالانام

(وثبة الاسلام و عماد العلماء الاعلام حاجي اشيمه)

(مروج الشريفة آقاي حاجي سيد حسين)

(مجتهد قزوینی نجفی دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارك علماء و مجتهدین و طلاب و عموم
الخوان مؤمنین اهل قزوین - سامه الله تعالی ، بعد از ادای
مراسم سلام و نجات برض، برساند، در مسئله مشروعبیت
و همراهی با آن اساس محترم از بلده تبریز ورشت و
اصفهان و کرمان و همدان و بندر عباس و بوشهر
و غیره ، نثار بحفظ و بان و احراء احکام واجب الاداعه
حجج اسلام نجف اشرف همه قسم امدادات زیورانه
بصل آوردند دوائر دولتی از کربک و غیره تماماً ضبط
نموده و همه روزه کتباً و تلگرافاً اطهرار مسلمانان و
انقباد از احکام مطاعه حجج اسلام را می نمایند ، در
این موقع هم از ظرف ادالی با همت و دیانت قزوین
که پیش از سائر نقاط محل امید بوده تا حال حرکتی
نشده ، مگر نه حکم محکم حجج اسلام در عدم تسلک
بظالمین با صریح آیه وانی هدایه قرآن عظیم مطابق
است . (ولا ترکونوا الی الدین طاموا فتمسک انار) علاوه
بر تطابق حکام حجج اسلام با آیت شریفه صادره
از مصدر حلال تبیح علم از مستغلات علیه می باشد ،
می توان گنت حیوانات هم با اندازه حس خود قبیح
ظلم را فهمیده بقدر امکان از قبول ظلم - تراز دارند ،
بلکه در موقع اتمال ظلم در مقام دفاع بر می آیند
نی دایم چه تدر آن برادران محترم بنشار ظلم عادی
و مانوس شده اند که با این بیجان عمومی و جان
نثارهاییکه برادران مسلمان شما در حصول آسایش و
راحت شما می نمایند از ظرف آن بلده طیبه بهیچ وجه
اطهار همدردی نمی شود ، مگر ظلم های حکام جور را
بیک پرشما حکومت داشتند فراموش فرموده اید ، آیا تضییع
حکومت عماد الدوله از نثار مبارکتان محوشده است ،
رفتار و مقام میرزا صالح را در دایق نسیان گذارده
اید ، بخدا قسم حجج اسلام نجف اشرف از صدور این
احکام و تحمل مشقتها بغیر از حفظ یک مشت شیبه
از سبکال ظلم ظالمین و جلوگیری از تسلط خارجه بر
ایمانی و نیواییس مسامین عرضی ندارند ، و حکم محکم
نایبان قزوین بشروطیت با آیه مبارکه و (سائرهم

فی الامر) موافق است ، و مقصود اصلی ما از مشروعبیت
این است که پادشاه ذمال ما پشاه نباشد و حکام که در
بلاد وارد می شوند رعایا را که و دایع الی دستند
تیبید و اماء خود محسوب ندارند ، محدود مخدی بوده
بوده باشد ، و امورات را باستحضاری علاه مکت
فیصله نیاید و بدون جهت اموال رعایا را بیا نیاید .

قال الذی صلی الله علیه و آله - استشیروا بذوی اول
ترشدوا و لا تمصومتم موا - و فی الحدیث من
شاور اهل الصیحه امن من الصیحه . مقصود آنکه حکم
بجبر و ظلم بشود بلکه بعدل و احسان باشد ، و ایضاً
بصمون ان الله یامر بالعدل والاحسان قرآن ماقی
است . و قال الذی (ص) ما عدل قامت السموات والارض
و نیست رض از مشروعبیت الا رستگاری از امان
و عدل (ان لكل شیئی ملاکا و ملاک هذا الدین عدل)
حضرت امیر فرموده : ثبات الملك بالعدل عدل مکت
اسلامی ماقی می ماند و مساجد شما مثل سائر بلاد دیگر
کیسا می شود

عرض آنکه احکام حجج تماماً مطابق قرآن و
ملاحظه ترفیه حال قراء و بوع اخوان مسلمین است
که از دست متکبرین و منسین نجات یابد قال الله
تالی - تلك الدار الاخره مجملها للذین لا یریدون
تلوا فی الارض ولا نسادا . به تنها احتیصاص احکام
حجج برای ترفیه حال اخوان مؤمنین و مسلمین
است بلکه منافع کثیر اخروی هم برای دالمین دارد که
ظلم بر نفس خود می کند ، و ما ملومنا و انکر
کابوا انفسهم یصلون ، که قراء دست از ظلم کردن
می کشند - و کم کم قلوب آنها که مثل اراضی
شور تزار است که هرگز امد محصول از آنها نیست
شاید بواسطه متابعت این احکام ظلم را کنار گذارد
و خود را از آتش جهنم نجات داده لوب خود را
بتوبه و انابه برفع ظلم از قید طاعت بردارد ، بی آب
شیرینی داخل شور زار نیاید آنوقت محصول می دهد
و مکان خود را در جهنم حلی بگذارد (ان فی جنبه
وادیا قال له عبدب یسکنه الجبارون) و شاید عدو
را پیشه خود کنند - قال الذی (ص) " علیکم بالعدل
فانه یردی الی الجنة " ، و خود را فارغ از خدعه و کذب
نمایند (و ایاکم عن الکذب فانه یردی الی النار) و
خود را از لعنت الهی برسانند که فرموده است (الا
لعنة الله علی القوم الظالمین) قال الشاعر

لا تظلمن اذا ما كنت متندراً

فالظلم اخره ياتيك بالندم

در حیثیت ظلم قطع نظر از تبع عقلی هم ندامت اخروی و دسوی دارد .

نات عيونك والمظلوم متنبه

يدعو تليك وعن الله لم تم

این ظالمین هم باید شکر این نعمت را به نمایند که ایوم علماء دین که چراغهای هدایت اند سبب بظلمین و غیرهم طریق هدایت را نشان میدهند و آنها را از تذاب آخرت می رهانند و حفظ مملکت از تجاوزات خارج و عدم تعدی حکام و ترفیة حال آنها بجهت حفظ استقلال مملکت و حفظ بیضة اسلام و اعلاء کلمة حق را بیان فرموده شکرانه و خود مبارک حجج اسلام و احرای احکام ایشان برکافه ناس لازم (لئن شکرتم لازیدنکم) - قال التی (ص) (من اعم علی احد نعمة فلم يشكره فدمی علیه استجیب له) ایوم محاسب ما امام زمان ، بد از مرتبة نبوت و امامت ، اقرب بسوی خدا از حیث درجات علمایند ، قال التی (ص) (اقرب الناس من درجة النبوة اهل العلم) باید سر از متابعت احکام شرع بواسطه دو روزه دنیای دنی و اظهار خصوصیت بعضی ظالمین نوزند ، تا اینکه در تعداد حبس یزیدین معویه و در زمره اعدا محسوب نشوند - قال امیرالمؤمنین (ع)

و قیمة المرء ما قد کان یحسبه

والجاهلون لاهل العلم اعداء

غرض از مزاحمت آن است که بر شما مشتبه شود و تکالیف شرعی و عرفی خود را بدانند که فردا ملامت و ندامت فائده ندارد ، بی دامن جهة چیست اهل قزوین که در تمام ایران بزهد و عصمت و عزت و تقوی و تدین مشهورند مع ذلک از آنها حرکتی و جنبشی نشده است ، اگر خوف است بلاد دیگر هم در خوف با شما شرکت دارند ، اگر حفظ جان و مال عرض است دیگران هم شریکند ، مع ذلک سائرین از اقدامات خود کوتاهی نکرده و اگر ملاحظه تدین و احتیاط است تدین در اطاعت و انقیاد احکام خدا و رسول و نواب امام است ، اولی آنکه بمضمون (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) متابعت فرمایند ، این بر ذمه طهراء اعلام است که اولاً مردم را تشویق فرموده که حسب خداوندی را

قلوب خود جای دهند ، (قل ان کتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله) و حاضر شوند که اسلامیت خود را در تاسیس این اساس در معرض ظهور و بروز آورده با اخوان مؤمنین خود بموجب آیه و اقیة (انما المؤمنون اخوة) همراه و همدست باشند . در دفع ظالمین و ندادن مطالبات که ذملاً بموجب احکام مدعا حجاج اسلام حرام است ، و ثانیاً بر علمای اعلام لازم است حکام احکام حجج را که مکرر فرستاده شده بتوسط دهان و اکراد و ایللیات برسانند و مطالب حقه را کاملاً با آنها حلی و خاتم نشان نمایند ، و ایوم لازم است که با سرکار جلالت ماب اجل اکرم سبهدار اعظم همراه بوده باشند و بهیچ از مصاحبت و موافقت با ایشان دریغ نفرمایند و این آثار و سواس و بی مبالا باحکام و بتدبیر را از خود محو نمایند . اکثراً مینماید بچند کلمه صحیح که در حقیقت لایق است بزر نوشته شود ، بنظر تامل ملاحظه فرمائید که همه چیز در او جمع است هر سری که او را خرد نیست همه چه چشمه است که او را آب نیست و هر قطره که او را صروت نیست همه چه بستان است که او را گل نیست ، و هر عالی که او را برهیز نیست همه چه اسبی است که او را لکام نیست ، و هر مسلمان که او را عدل نیست مثل ابری است که او را باران نیست و هر ظالمی و حاکمی که خوف را مشیر خود سازد و حلم را ندیم خود گرداند و ریر دستان و رعایای خود را پیوسته برستی و عدل و احسان اعلان فرماید هر آینه سزای خوشنودی پروردگار خود را اجل آورده (تعصنا الله من ذیغ الظالمین و وقفنا الله علی اتباع الائمة الراشدین انه خیر موفق و معین ، والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته)

(حرره الاحقر حاجی سید حسین)

(نجل مرحوم سید جنر)

(مجتهد قزوینی)

(صورت دستخط مبارک حضرت آیه الله)

(فی الارضین حجة الاسلام والمسلمین)

(آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی)

(مدظله العالی)

بسم الله الرحمن الرحیم

العیاذ بالله (بسم الله الرحمن الرحیم)

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحيم
 این لایحه شریفه جناب مستطاب سید المصطفیٰ الاعظم
 علیه السلام آقای حاجی سید حسن دامت برکاته را که
 محض تذکره ملیه بشکایف دینییه و وظائف اسلامییه بر
 طبق آیات و اخبار معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
 مناد و مداییل احکام احقر توضیح فرموده اند مستم
 بشاید و به تکلیف دینی خود آگاه و بتأیید و
 موافقت برادران ایمانی تبریز و رشت و اصفهان و غیرها
 مسارعت نمایند (وسارعوا الی مغزرة من ربکم) والسلام
 عابکم
 حرره فی ۲۴ ربیع الاول
 من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی

(صورت دستخط حجت الاسلام نائب الامام)

(آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی)

(دام ظلّه العالی)

بسم الله تالی

انشاء الله تالی بعد از ملاحظه این لایحه بر صورت و مات
 شریفه جناب مستطاب نفع الاسلام و مروج الاحکام و
 سید المصطفیٰ الاعظم دامت برکاته و افاضاته که در اظهار
 و بیان مبانی و حجج احکام صادره از داعیان است
 موقع تذکر و تسامح برای احدی باقی نخواهد ماند
 بلکه تمام دایمات از عظامی اسلام و تجار ذوی الزوال الاحترام
 و همه برادران ایمانی اندامات مجده در تحصیل مناصد
 مات در نشر لوای هدایت و نفع و نفع شجره ظلم و
 فساد خواهند نمود . نفعهم الله تالی
 (حرره الاحقر عبدالله مازندرانی)

جل المتین

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاجی سید
 حسن زویین دامت برکاته که از اعظم علماء و اکابر
 فضیله حوزه حضرت مقدس آیه الله فی الارضین حجة
 الاسلام والمسلمین من انتهت الیه ریاسته الشیخه آقای
 آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مدظله العالی علی مآرق
 المسلمین و از مخصوصین آن بزرگوارند، و حضرت آیه الله
 کمال لطف و مرحمت نسبت بایشان و نهایت اعتماد و
 توفیق بایشان دارند، و اول کسی هستند که در دارالعلم
 نجف اشرف لوای مشروریت را مرتفع داشته از ابتدای
 پس تاکنون پیوسته در تشیید این اساس مقدس و
 ترویج شریعت نراء و سعادت فوق الساعده بر خود هوار
 نموده اند و روز هم خود را صرف آن مهم بزرگ
 کرده اند و در حقین بر این بزرگواران از فضل حاج

چیز حقین و مال در آن منروع مقدس مضایقا
 فرمودند (جزاء الله تعالی عن الاسلام والمسلمین خیراً)
 الحق والانصاف بانهایت جدوجهد بدأ اساناً مالا جانا
 در پیشرفت این مناصد اقصی کوشیده این لایحه مبارکه
 را که موشح است بدستخط و مبر مبارک حضرتین
 حجتین آیتین نبی الامام علیه السلام آقای خراسانی و
 آقای مازندرانی مدظلهما محض از برای نیقظ و تنبه و
 بند و اندرز اهالی قزوین و نواحی آن بلکه تمام ایران
 مرقوم فرموده . از برکت همین لایحه بسیاری از گمشدگان
 وادی جهل و نادانی و سرگشته گان بادیه حیرت و
 سرگردانی بشاهراه هدایت و سداد و سراط المستقیم
 صواب و رشاد رهسپار و از زندان ظلم و استبداد و
 محس جور و استبداد آزاد گردیدند - چون صناعات
 حیلانتین را گنجایش ذکر مراتب و ثمر اوصاف
 حمیده و اخلاق پندیده آن بزرگوار نیست و زیان و
 بیان از شکر گذاری و سپاسداری آن وجود مقدس
 قاصر است ، بقصود صدق مشحون (مالا یدرک که لا
 یترک که) همان بترکه دست توسل بدعا برداشته از
 درگاه حضرت آنریدر جلت عظمته مسئلت نمائیم که
 همواره وجود مبارک ایشان را مقتدای احرار ابرار و
 پیشوای مؤمنین اخبار فرموده نقل ظالم شان را بر
 مآرق انام نمود و مستدام و مارا توفیق ادای حقوق
 و اتباع اوامر و استماع مواظظ و فرمایشاتشان عطا فرماید
 ترید

نبره ۲۸ سال شانزدهم را زیارت کرده در ذیل
 اخبار گیلان خواندم ، ندیم باشی و فراش باشی گمرک را
 از اداره گمرک انزلی خارج کرده اند ،
 چون این بنده سه ماه است در این حدود بوده و
 بخوبی از وضع و جزئیات اینجا اطلاع دارم و ندیم باشی
 و فرشباشی گمرک را ندیده ام که از اداره خارج کرده
 باشند بلکه کماکان می بینم که باقی هستند ، ندیم
 باشی را بخوبی میشناسم که مرد وذن خواهی است
 و علاوه چون شخص او از اشخاص تحصیل کرده
 دیپلوم دار ایران میباشد و امثال ایشانرا کم داریم البته
 ادارات بیچوخت مسلوب الحاحه نسبت باین قسم اشخاص
 نشده خصوصاً در صورتیکه معلومات آنها با حسن
 اخلاق جمع شود

نکارنده محترمی مینویسد

در این موقع خیلی نیاز لازم می آید که تقریباً

دورهای ذیل از طرف حضرات حجج الاسلام عتبات
 بزبان شرع مقدس و در حرایده با آن زمان و سانی که
 دور روشن و عوام فهم با اصطلاحات شرعی نوشته شود
 تا اینکه تمام مردم در حسن انتخاب و کلاه که امروز اول
 به است از طرف اصلاح امور و حسن عاقبت خیلی س و
 حد و عهد نماید، و معلوم است که اگر و کلاه خراب
 انتخاب نماید از حسن عاقبت امور خیلی ادمبار حاصل
 می شود، آنچه لازم است که از طرف حجج الاسلام
 نوشته شود و در حرایده دورهای لازم مردم حالی
 نمایند از این قرار نظر می آید

(۱) اشخاصیکه در راه مشروطه کوشیده اند و
 کوشیدند بدلائل شرعی که اقامه می شود معاهدین
 فی سبیل الله هستند

(۲) اشخاصیکه بر ضد مشروطه کوشیده اند و
 بد از این بکوشند بدلائل شرعی که باید اقامه شود.
 مردود رؤسا علاوه بر ظلم و جور در انسانی مملکت
 کوشیده اند (یعنی مداخله خارج را پیش می آورند)
 ممرض که بصورت علماء در آمده گند، مشروطه
 موافق شرع نیست، مردم را راه کج و داشتند،
 سایرین که با آنها همراهی کردند اعانت بظلم نمودند
 (۳) صرفاً مشروطه موافق اسلام و احباء سن

اسلام است و اصول آن از این قرار است. سلطنت یا
 امارت یا حکومت حتماً مشروطه است. بشرط تدل و
 مطابقت قانون سلطنت مطلقه مخصوص ذات مقدس الهی
 و در اسلام حرام است، حکومت مستبدانه حکومت ظلم و
 جور است، اعانت آن اعانت بظلم و حرام است، مسلمین
 جز بحکم قانون محکوم باحدی نتوانند بود، و قانون
 عبارت است از قانون شرع مطهر، و قواعد عرفیه که
 در مجلس مقدس ملی و در حقیقت بتصویب مسلمین وضع
 شود. پادشاه مسلم کسی تواند بود که خود مطیع
 قانون و در تقوا بر سایرین توفیق داشته باشد، اطاعت
 کسی که خود از قانون سر به بیجد و امور مملکت را
 تابع اغراض خود نماید حرام است، و همین حکم بر تمام
 متصدیان امور جاری است، اجتماع مسلمین در مرکزی
 برای مشاوره و حفظ مصالح عموم و سن اسلام لازم
 و چون در مملکت وسیع اجتماع عموم متعذر است و
 اغای که لازم اجتماع متعین ملت در مجلس ملی همان
 حکم را دارد، وظایف اصلیه مجلس ملی تمام مطابق شرع

اول - مشاوره در مصالح عموم
 دوم - نمارت بر اعمال متصدیان امور که از قوانین
 عدول نه نمایند (نتیجه از این مطلب این است که وزراء
 که متصدی حال و عقد امورند در نزد مسلمین و مجلس
 مقدس مسئولند و اگر اعتماد ملت از آنها سلب شود
 مداخله آنها در امور حرام است)

سوم - مشارکت در وضع قوانین عرفیه که باید
 تصویب مجلس باشد و نمارت در اجرای قوانین شرع
 و قوانین عرفیه

چهارم - اختیار نامه در تصویب اخذ مالیات و
 مصارفات (یعنی مراقبت در بیت المال) دادن مالیات و
 اخذ آن و صرف آن برخلاف قانون حرام است

پنجم - ضرورت عور و فهمیدن معنی مشروطه که
 در سابق گفته شد و عبارت است از تأسیس اساس تدل
 ششم - بر هر فردی از افراد مسلمین بد از آنکه
 فهمید مجلس ملی برای حفظ مصالح و حقوق آحاد
 ماس است لازم است قاعدتاً کند در انتخابات و همراهی
 با منتخبین ملت

هفتم - در وقت انتخابات باید حالی از تمام اغراض
 نفسان بوده و با کمال بی غرضی رأی بدهد، فریب
 بخورد، و سعی کند اشخاص امن کاردان انتخاب
 شود، و بداند اگر کوتاهی کند بخود و برادران دینی
 خود خبانت می کند، چون منتخبین یعنی و کلاه از طرف
 عموم ملت باید مصالح عمومی را حفظ کند حفظ آنها
 و دفع شر از آنها بر همه واجب است

هشتم - ر اشخاصیکه در امور بصیرت دارند و امانت
 و بی غرضی موصوفند و خود را در خور انتخاب شدن
 می دانند واجب است که خودشان را بر مردم عرضه
 مدارند و نگذارند تا بد آنها مردم را متعجب گذاشته
 و ممرضین میدان را خالی پیدا کنند

نهم - منتخبین باید از وقایع گذشته عبرت گرفته
 حاصلاً و مخلصاً هم در مصالح مهمه بکارند، از اغراض
 شخصیه و مناقشات جزئیة اغراض نمایند و تکلیف
 خود را بزرگ شمارند و از اظهار حق و رد باطل نترسند

دهم - دعوت عموم بالذات و اتحاد و وفای و اخوت
 اسلامیة و اجتناب از لغای و عداوت و اغراض شخصی
 یازدهم - بعضی ممرضین بصورت علماء خدشه کرده
 بودند، که مشروطه تقلید از علی بن ابی طالب است

واضح است که مشروطه احبب سن اسلام و اصول آن مطابق شرع مقدس است. در این اواخر سن اسلام بواسطه ظلم و جور و فساد در مملکت متزلزل شده بود و اگر نتوانی رجوع شود مشهود خواهد گردید که سایر ملل قرون جدیده بعد از آنکه اسلام عالم گیر شد از این اصول بی خبر بودند. بعد از قرون عیدیه بتدریج شیبه این اصول را مجری داشتند. در این صورت اگر گفته شود دیگران از اصول اسلام برداشته اند جا دارد. ولی اصول صحیح اسلام را بعنوان اینکه تقلید از ملل غیر مسلم است در نظر عوام سست عقیده فساد است. اگر دیگران متابعت اصول اسلام را نمایند نباید ما از آن دست برداریم. مثلاً هر وقت حکومت بدل در میان مسلمین متروک شود و ملل غیر مسلمه در میان خود بدل و انصاف حکومت نمایند. آیا می توان گفت که مسلمین نباید حکومت بدل بخواهند زیرا که **قُلِّدُوا حُكْمَ اللَّهِ** (یا داود فاحکم بن الناس یا داود) آیه محکم الی است. استدلال مسدین از تدلیسات شیطان است. باید مردم با اعمال مسدین خوب متوجه شوند که برای خدشه در مشروطه باغراض نفسانی خود کشی ها کردند و در مقابل آنهمه ظلم و جور و فساد که بدین تخریب مجلس مسدین مرتکب شدند و نزدیک بود مایه انحلال مملکت فراهم شود یک کله نگفتند. این چه دینداری است. سبحان الله. اجتماع مسلمین را در مجلس ملی و مذاکرات آنها را در مصالح عمومی خلاف شرع گفته قتل نفوس و تضییع اموال مسلمین را قابل توجه ندانستند

لا یجوز لایحه جنب مستطاب آقای بهاء الواعظین

(از مصر)

آگاهی

چندیست بواسطه ظلم و استبداد از وطن مقدس دور افتاده ام و از محافل و مجالس اهالی وطن عزیز محروم. از این شهر بآن شهر و از این دیار بآن دیار منتظر فرج می کشیدم و استعجاب قوای ملی را در کیده مظلمه که بزرگترین معبد اسلامیست از قادر متعال محرومان بودم. و دست خائنین خارجه و داخه ایران را که میخواستند و قلب پادشاه را نسبت بایران و ایرانیان در این شهر بکشتن می گذاشتند که بعضی

و دسته سرکردان بهر شهر و دیار شدند به منتهی حقیقی بر دم (انما اشکو بنی و حزنی الی الله) تا آنکه (ادعونی استجب اکم) را اثر ظاهر افتاد. قوای ملی نتیجه خود را اخذ نمود. حیات ملیه نظر اجانب را بخود معطوف داشت. آب رفته بجوی باز آمد. و باید کاری کرد که دو مرتبه از سر چشمه گل آلودش نکند و بداند (یوم المظلوم علی الظالم اشد من یوم الظالم علی المظلوم) کلام معصوم است

(لب خشک مظلوم را گوی بچند)

(که دندان ظالم بخواهند کند)

چکیم که آب حیات ملیه ایرانیه در جوی سعادت حته الهیه برقرار بماند. باید معنای عدالت را بفهمیم و بدانیم هر انسان که در مقام اخذ حقوق بشریه است باید بداند که اینهمه خون ریزیها که در عالم واقع شده است فقط برای حفظ مقام منبع انسانیت است و مقام مقدس انسانیت محفوظ نماند مگر در تحت کلمه مقدسه (عدالت) و این کلمه مقدسه مستلزم جمیع صفات کمالیه است بلکه عین آنهاست. عدالت ملکه ایست در نفس مملکت باید حاصل شود که قادر بر تعدیل واردات و صادرات مملکتی بشود و در رفع مخالفات و نزاع فیما بین قوای متخالفه بخوبی اتحاد و یکپارگی و ائت میان همه سکنه حاصل گردد تا جمیع امورات مرتب بر عدالت شود چون برای مملکتی عدالت حاصل آید آن مملکت را مملکتی عادلانه خوانند. زیرا هر فردی از فرد دیگر کسب مقامات عالیه مینماید و شان آن ائت میسان امور متباینه و تسویه فیما بین اشیاء متخالفه است. عدالت است که غبار نزاع وجدال را مینشاند و گرد یکپارگی و مخالفات را از چهره کارفرمایان مملکت میناشاند. و بر میگردداند تمام امورات را از طرف افراط و تفریط بحد وسط که امریست واحد و در آن تعدی نیست. بخلاف افراط که امور متکافره مختلفه هستند که نهایت از برای آنها نیست. و شکی نیست که وحدت اشرف از کثرت است و هر چه بان نزدیک تر افضل و اکمل و از حوادث و آفات دور تر است

آنچه مشاهده میشود در دول متعده از تاثیر اشعار موزونه و نغمه ای متناسبه بجهت تناسلی است که میان اجزاء آنها واقع و نوع اتحادیکه فیما بین افراد آنها حاصل است. و جذب قلوبیکه از محالست آنها میشود. و برای تناسل اجزاء و برای اجزاء آنها است. هر

چه از کثرت و ترکیب دوراست ، بوحثت نزدیک تو ، اگر ملاحظه شود در وحدت عرصه ما که پرتو وحدت حقیقه است خواهند فهمید اگر نبودی اداره و حود تمام نشدی ، چه اگر نوع اتحاد فیما بین عناصر که امهاتدم رسیدی موالید قلاوه از ایشان تولید نشدی ، اگر رای مدن اسان استبدال مزاجی حاصل نبودی روح ربانی و غس قدسی بآن تعلق اگر رفتی ، این است که چون مزاج را استبدال لایق از دست رفت پس از آن قطع علاقه خواهد کرد ، بنظر تحقیق دیده میشود حس و شرافتی که در دول اروپا است بواسطه استبدال و وحدت است ، در هر مملکتی عدالت سر بر آورد روح مان گرفتار است ، و بهر صورتی که خود را جلوه دهد محبوب است ، بهر لباسی که خود را بیاراید نفس بآن عاشق است

(و انی احب العدل حیث وحدته)

(و للعدل فی کل الرمان مدارج)

در این عصر که سراج عدالت و خورشید حریت عالم را منور ساخته است بانهاییکه دیده حق بر ندارد یا دارند غبار جهل و خود عرضی برده شده است میگویم

(یفوح نفحات الحرية بہتر ہا نفوس الاحرار و یتعطر منها مشام اصحاب الدستور والدوق تعرض بہا ان کنت اهلاً لتلك)

اگر از شراب عدالت کمی نوش کرده باشد خواهد فهمید که مراد از عدالت تسویہ کردن در امور مختلفہ است ، و وطیۃ عدالت برگرداندن طرف افراط و تقریب است بحد وسط ، و شکی نیست کہ اسان عدالت خواه اول باید حد وسط را بشناسد ، و شناختن حد وسط موقوف است بمیزان عدل کہ بواسطه آن زیادہ و نقصان شناخته شود همچنانکہ شناختن مقدار هر وزنی محتاج بمیزان است کہ بآن وزن نمایند و میزان عدل در شناختن وسط ہر امری نیست مگر طریقتہ سنہ مشروطیت کہ از سرچشمہ وحدت حقیقہ صادر شدہ است ، پس آن میزان عدل است در تمام امورات مملکتی ،

عدل را بد قسم تقسیم میکنیم عدل اکبر ، و عدل اوسط ، و عدل اصغر ، مراد از عدل اکبر قوانین مشروطیت است کہ عین شریعت الہیہ است ، و عدل اوسط اداره بدولت است کہ در تحت قوانین مشروطیت باشد ،

عدل اصغر طلا و نقرہ است کہ بواسطه آن سلطانان ہنر معاملات حاصل میشود (و انزلنا معہم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فہم بأس شدید و منافع للناس) اشارہ بہمن مطلب است ، عدالت خواه حقیقی و مشروطہ طلب واقعی باید دانا بقوانین مشروطیت و عالم بنوامیس حریت باشد ، خصوص در وقتیکہ حفظ شرافت می کرور ملت ایران بدست او اند ، مقصود از این مقدمات این بود ،

ای ملت ایران بدانید کہ این دور استادہ وطن ہیچ فکری مداشت مگر آنکہ استلال و سادت و مان را طالب بود در صورتیکہ صدمات و زحمت از برای او فراموش گشت و تمام صدمات را بجان خریدم و کجہ حق را گفتم ، امروز با وجود دوری ازون مقدس میگویم کہ از خواب غفلت بیدار شوید ، چشمہ ساز کنید و در اتحانات کوشش نمایند ، اغراض را کنار بگذارید درست درمہمان خادم و حائن در فرمائید سعادت خویش را بدست ہر کس بدهید ، مجلس مقدس ملی را کہ کعبہ آمل سی کرور بریشان حال و دگرگون احوال است بازیچہ بگردان نمایند ، اگر در اتحانات نکوشید و داماین عالم بجای بیدینان جاہل نکارید دبری نخواهد گذشت کہ ایران ویران و اخلافان مادام الہم در اسر و ذلت ابدی خواهد ماند ہر چه زودتر (حضرت ناصر الملک) بطرف ایران حرکت فرمایند بہتر است ، امید است بعضی از کار آرمودگان را ہر اہ خویش ببرند از قبیل خانب ممتاز الدولہ و جناب دیرالملک و و و و و ما تصویب حضرات آیات اللہ خراسانی و مازندرانی دامت ظلہا علی رؤس المسلمین ، زیرا بعضی دستگاہ امروزہ را نقشہ تازہ مشاهده میکنند (لا یندع المؤمن من حصر مرتین)

(دور ابتادہ و ذن فدائی حریت الحاج شیخ)
(بہاء الدین بہاء الواعظین)

قابل توجه و قبول

عموم ہودنان غیور وطن پرست و سرداران عظیم الشان عشائر و قبائل زید مجدم ، مستحق از بیان است این فلاکت حالیہ کہ ما ایرانیان را در ششدری حیرت مات نموده ، شامل حال ما نشده مگر از ابرامان تفریقہ نفاذیکہ بعضی از مندین مغرض در مزرعہ کاشتن ، بعضی دیگر ہم بجهت جلب منافع و شرف

دنیوی بتوانات شق در آبیاری آن کوشیده، روز و شب در دوانیدن ریثه مذحوبه اش سی و کوشش نموده، در تربیه اش آن غلت نورزیده، و در تسمیم افغان برادران نومی و وطنی خود از آن میوه از حفظ دقیقه فروگذار نکرده، ثابت خاک مذلت بر سر ایران و ایرانیان ریخته، و بحال فلاکت اشغال امروزه مان دوچار نموده اند، که فلاسفه عصر ودانایان دهر از اصلاح آن عاجز، و قهر مانان زمان از کندن اصل آن شجره مانونه ناگزیرند.

با وجود توحه این مصائب ناگوار که موجب یأس از استقلال دولت ومات گشته، ما راست که تکیه بمضمون میب آیه شریفه (لا تتداوا من رحمة الله) نموده از تشبثات خوردمان ذره فروگذاری نکرده بر سی و جرد خود از زوده و اسباب اتان را در بن مردمان داخلی و خارجی کامل داشته و حال کثیر الملل امروزه وطن را مجسم نموده از هجوم اغادی نیندیشیده در حکم امروز که مابالذاتی عموم عقلاء دهر و سلسیون کره ارض است جاره استخلاص از این ورطه هولناک را منوط به چند چیز داریم که اساس آنها اتفاق حقیقی است. و از ته دل دست اخوت و وداد بهم داده و از مناد آیه مبارکه (لا تحاسدوا ولانا حشوا ولا تباضوا ولا تدابروا الخ ..) و از مضمون حدیث شریف (المسلم اخو المسلم لا یطامه و لا یخذله و لا یکذبه و لا یحقره) که خداوند تبارک جل شاه و انبیا عظام از حد و بض و رو گردایدن از هم دیگر و ظلم روا داشتن بر همجان خود و تکذیب و تحقیر نمودن هم دیگر را منع فرموده حصه مند بوده، و علم که طریق مواصات بر این دمت عظمی که اتفاق نامیده اند میباشد.

و حضرت پیغمبر صلوات الله هم تحصیل آن را برای ما فرض نموده فرموده اند (طاب العلم فریضه علی کل مسلم و منامة) و در جای دیگر فرموده (المطلب العلم من المهد الی المهد) در تسمیم و توسیدش بصرف همت نموده تا آنکه بواسطه آن حق را از باطل بی بجهت را از سقیم و مصلح را از منسد و صادق را از کاذب و موافق را از مخالف تمیز داده حاضر آن در سیم و متسای بوده باشیم که منظوق این آیه وای

چنانکه عموم مغربیان و بعض از مرتبایان در سایه همین علم که حضرت علی ابن ابی طالب (ع) میزماید (العلم کثر و فخر لا فادله)
(لا مدین به درآ ولا ذمها)

از کافه مهالك که امروز ما ایرانیان دو جر هستیم خلاصی یانته اند ما هم نجات یانته باشیم

خلاصه علم است که قوم نجیب فراسویانرا از هجوم اعداء خلاصی و بر حبهانیان اولی اقوام متمدنه شان شناسانیده، علم است که قوم کنام ژابون را بر روسیان متکبر چیره نمود، علم است که حوامان با همت عثمانی را بر سنده ابلق کامران سوار نموده قوم خویشتن را از قید اسارت رهائی داده حکمدار خونخوار را در دارالملک از مالای تخت استبداد بزیر کشیده بجایش حکمدار عادل و مشروطه خواه نشانیدند، از بی علمی ماست که شامت تقای را درک نکرده بیدق شتاق بر نعل هدیدگر افراشته قطعه آذربایجانرا از خون برادران نوحوان و خواهران ناکام رنگی نموده، شهری مانند تبریز و قطعه مثل آذربایجان را خراب و شمیم بوم و کلاغ نموده، باز بهوش نیامده تلخی تقاورا که از سم قاتل موثر تر است حس نکرده در اجرای نتیجه آخرینش که اسارت است کوشش مینماییم، از عدم علم ماست که معنی صریح انما المؤمنون اخوة را منظور نداشته در ریختن خون برادران سی وده و ارمضمون حب الوطن من الایمان بی خبر بوده، چنان خیال نمودیم که جای اقامت هر کس فقط وطن او شمرده میشود، مثلا اقبال الساطنه ماکورا، رحیم خان قره چه داغ را، صد خان مراغه را پسران قوام شیراز را و من خودشان داشته، اما از معنی اصلی وطن که هر یکوجب خاکی که اتم ایران اطلاقش میشود وطن هر فردی از افراد ایرانی میباشد نفهمیده، یا آنکه داشته تباهل نموده، در صد استرداد حقوق منصوبه اش نیامده سهل است که بر امداد مجاهد حقیقی و مان سردار والا تبار جناب ستارخان و اعواش نشناقتند، تیغ کین با امر مستبدین بیدین برویش کشیده میدان را بر آن شیر پیشه وطن پروری تنگ نموده راه آذوقه را برویش بسته از این رو زمینه برای دخول اجاب حاضر نمودند

(آمد سر مان از آنچه میترسیدیم)

روسیان به اسرمعاونت مجارگان داخل خانه ما شده

سوان آسایش آلت مدافعه مجاهدین را جمع کرده و
 سپر و سنگر هائیکه هر خفتش با خون مجاهدی بالا
 نده بود با جور و اعتساف با حاکم یکسان نموده دل
 عموم وطن خواهان را داغدار کردند، حال خیال لشکر
 کشتی بی طرف دارالشاط ارومی و دار الاستبداد اردبیل
 و آستارا دارد، بعد از الحام کارشان رخت عریضت
 نجات ما کوی هلاکو خواهد کشید، بعد از دراعت از
 تخریب قلعه آهنی تهوری از طریق گیلان عارم طهران
 که آخرین مقصود و مطابق نقشه متصوره معاهده معتوده
 در دولتین است خواهد شد

هان ای ایرانیان بیور وای هموطنان و سران و
 افسران این و شائر حسود که در حکام رو آوردن
 شداید اتکای ما بر همت مردانه و حرکات شیرانه شما
 بود وقت تنگ مادر وطن در حالت احتضار،
 خواب رید درد سر میآورد ماسد حل امروره شما
 بودند ترکمانیکه در عهد سلاطین سابق قاجر گردن
 اداعت هم کرده حمله پاک حراسان و توائش را
 لکدکوب سمد جوو و هررکی میبودید، و امروز
 در مقابل یکر سالدات روسی دست بودیت و دلت
 روی هم گذاشته فرمان بردار شده اید

بیائید از حال آنها بخت گرفته و حالت امروره
 ما را که از همان ساق و گردن کشتی است ملاحظه
 نموده انصاف هرمائید، پیش از آنکه دست تأسف هم
 سائید تا یک اتفاق برقی دست وفاق و برادری هم داده
 راضی بشوید احب تصرف در امور داخلی تن نموده
 ما را دین، و شما بررگان قوم را دنیا و دین اردست
 رود چرا محم آ که (ان الملوك اذا دخلوا مرتناً
 فحملوا اعره اهلها ادلة) ریاست شما هم از دست
 خواهد رفت شما سران و سرداران و بررگواران
 راست که این ریاست خدا دادی را از دست داده،
 تعد و تبص را از میناه مرفوع داشته، انتعام داخلی
 بمناک خودتان را راه انداخته، قابلیت خود را به اجاب
 نشان داده نائید تا آنکه عدم قابلیت و لیاقت ما را
 دست آور به نموده به امور داخلی مملکت مان تصرف
 مکرده باشد، راه دور و وقت تنگ و دشمن داخل
 خانه و وطن میان خطر است، و ماعلی الرسول الا البلاغ

خبر روس و آذربایجان

تمام امیدواری روس بملاقات امپراطور آلمان
 است که شاید عثمانی را (که طایق خارجی از اجرای

مقاصد او در آذربایجان است) مانع آمده از او
 و سایر سرحدات خارج نماید، چه روسیان موانع
 داخلی آذربایجان را مرتفع نموده، آنکه دولت است
 تا کمال امتنان او را دعوت کرده، آنکه ملت است
 مرعوب وی گردیده است ولی حرف این است که آیا
 مقتضیات پلنگ آلمان بنا ملاحظه راه آهن بغداد و
 آسیای کوچک اخره روس تواند داد صکه صوبه
 آذربایجان را تصاحب کند،

در هر صورت ایرانیان باید دل خود را مابین
 تصورات خوش نموده آرام گیرند، و امیدوار باشند،
 ایرانیان باید نتوت اتحاد ملیه خود روس را از ایران
 خارج نمایند، و قلعاً بداند که هر قدر دست گیرد
 سخت خواهد خورد، هر چه بر مرعوبیت خود
 بیفزاید، بر حسارت خصم افزوده اید خیالات
 دولت روس معلوم، و و من درویشی دربار هم
 است، هر گز مابین تصور باید بود که در طریق اسات
 حرحه رای استقلال ما با روس هشت و درنش شود
 بار هم تکرار میکنیم که اگر ایرانیان درین
 مداخلتهای مسلحه روس بر مرعوبیت خود از زوده
 ساکت نشینند، به دین برایشان خواهد ماند، به عصمت
 به منروویت خواهد داشت به استقلال و حریت هیچ
 شبهه درین به نباید که این دربار و من فروش با صرار
 و آرام روس را بایران دعوت نموده، و بیژ سکوت
 موقتی انگلیسها در حوب اسباب امیدواری و اطمنان
 ایرانیان باید شود چرا که هر ادسی که روس در
 شال ایران بر بیدارد در حوب حق انگلیس را ثابت
 میکند و تمام ما بشوره انگلیس است و اگر روسها
 در شالی ایران تمام خویش نائل شوند، انگلیسها در
 حوب خود را نائل شده تصور می نمایند، و فی الواقع
 هم قسم هم هست ایران باید خود در طریق استقلال
 و من حال نشانی کند، سر باری نماید، شهادت مخرج
 دهد، استقلال را از دست نهد، و مرعوب اجاب
 نشود، که هر کس درین گونه مواقع ترسید زود تر
 مرگ او را درك خواهد نمود

خبر زداشت احرار تبریز

(به شهبندر عثمانی)

در ایام محاصره شهر جنابان اجل قوسلگری
 دولت فضیله انگلیس و دولت بیبه روس ککبا بلخین
 ایالتی آذربایجان اظهار داشتند که بعضی

استانند از دولتی مقرر شده که عده قشون روس
بجهت افتتاح راه جلنا و سهولت حمل آذوقه از سرحد
جلنا بخالد ایران وارد شود، در این بین راه مخبره با
طهران باز شده، اعلی حضرت شهر یاری امر باقتتاح
راهها و حمل آذوقه و تفرق اردوهای دولتی فرمودند،
رؤسای ملت بقولسگری دولتی مراتب اتحاد دولت
و ملت و افتتاح راهها را اخطار نموده ضمناً اظهار
کردند فعلاً که امورات اصلاح شده و اردوها مقرر
گشتند آمدن قشون روس لزومی ندارد، جواباً گفته
بودند بجهت تأمین راه جلنا و حفظ حقوق اتباع خارجه
است، در حقیقت از ملتبان در نهایت درجه بذلمساعی
لازمه در حفظ حقوق خارجه معمول بود و تجاوزی
نسبت بمقوق ایشان از طرف ملت مشهود نبود متمسک
بدین عنوان شده قشون روس را وارد نموده درکنار
ین (آبی) مخیم نمودند، با آنکه کراراً گفته بودند که
قشون روس بشهر وارد نخواهد شد، غفلتاً بدون اطلاع
رؤسای ملت عده کثیری از قزاق و سالدات وارد
شهر شدند، این مسئله نیز بقولسگری روس اخطار
شد، جواب داده بود که معاودت خواهند کرد، و این
دفعه اعاده آسایش را عنوان نمودند در صورتیکه
امنیت نامه در شهر حاصل بود، و ضمناً تأمینات قوی در
قولسگریای دولتی بر رؤسای ملت داده میشد که
قشون روس ابدأ بامورات داخلی کمک مداخله نخواهند
کرد، بمحض اعاده امنیت عودت میکنند، در این اثنا
اعلان مشروایت از طرف قرین الشرف شهریاری
بموم ولایات مخبره شد و نائب الایاله رسمی در تبریز
معین و رسماً معرفی گردید، باز اقتناع نکرده سهل است
بر اقدامات خود افزوده سنگرهای شهر را با دینامیت
خراب و هر روز تجاوزات نموده و بر امورات داخلی
مملکت از قبیل خواستن تعداد توب و قنک و عدد نظمه
شهر و اسلحه گرفتن از دست مأمورین کشوری و بجانهای
مردم ریختن و جمع اسلحه نمودن و آدم گرفتن و سایر
شیئهاییکه ابدأ قانون بین الملل اجازه نمیدهد مداخله
نمودند، تا اندازه که اهالی را اضطراب و تشویش
حقوق للماده حاصل و امنیت مرتفع گردید.

این بندگان بملاحظه کلمه جامعه اسلامیت باش
دولت علیه غنائی بناکنده شدیم که مراتب
استان استیلا جویان روسیان را بمقامات

لازمه رسانده اقدامات سیاسی دو تأمین اهالی و رفع
تجاوزات روسیان و تخیله ایشان را از خاک ایران فرمایند
(کرمان) وقایع نکار ما می نویسند

چون مالیات دو ساله را حکام گرفته تمام بکیسه
ضباط و حکام مانده، علاوه درتاراج خلق نیز ید بیضه
نموده، به سر باز هم مواجب نداده، هرج و مرج
شدت کرده، راهها را سارقین گرفته، قافله از تردد
انقاده بنا کردند دعوات را غارت کردن، مختصر دیگر
حق برای این رعیت جاهل باقی نمانده، علماء بموض
اتفاق دو تیره شده بر ضد یکدیگر ایستاده، جناب
حاج سید عبدالحسین مجتهد لار تمام صنجات سببه و لار
تاسیرجان را احاطه فرموده، احکام آیتاقت رئیس
الاسلام آخوند ملا محمد کاظم سلمه الله فرود نموده عموم
ایلات کرمان نیز بطرف جناب حاجی سید عبدالحسین
سلمه الله رفته ضباط را خارج کردند، از ترس صاحب
اختیار کانی ناچار مشروطه خواه شده ضباط مستبد را
تسیر داده، اشخاصیکه درایام مشروطه قبل مصدر کارها
بودند مشیر و مشار کرده، بالاخره نظام السلطنه شهرت
دارد پنجاه هزار تومان قدیم داده حکومت کرمان را
خریده، لکن علمای کرمان و خزانین تلگرافاتی
به تهران بوزیر داخله کرده که ما صاحب اختیار را
میخواهیم و از سیم انگلیس مخبره نموده، چرا که بشیر
خاقان رئیس تلگراف خانه کرمان نایب الحکومه نظام
السلطنه میباشد و حمایت از او دارد، اطمینان ندارند
فی الحقیقه صاحب اختیار برای حکومت مشروطه خوب
است برای استبداد خوب نیست

الحاصل روز ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۷ تلگرافی از
شاه رسیده که چون اوضاع مملکت خراب، وزارت
خانه ما برهم درهم منشوش گشته از امروز که ۱۴
ربیع الثانی میباشد اعلان مشروطه مبدوم، باید وکلای
شهرها تا غره رجب وارد طهران کردند، نظام نامه
همین دو روزه فرستاده میشود که وکلای ملت با
وزرای دولت همدست شده امنیت داده کارها را اصلاح
نمایند، تعجب است آنهم بعد از اینکه چندین هزار
مخلوق را کشته تمام رعیت که اموال آنها بتاراج رفته
هنوز حاکم معلوم نیست، هنوز بلوکات و قریه ها را
غارت می نمایند، بدون نوشتن قانون، بدون احداث
عدلیه، بدون فرستادن نظام نامه که شرایط او را

ملاحظه نماید برای دو ماه بعد وکیل میخواهند ، بجه
اصمیان مردم دست از کسب و کار خود برداشته بروند
صهران که آخر توپ بر آنها حالی نمایند ، اگر بنسای
مشروطه باشد اول باید مردمان بزرگ را به ایران
بخواهند که مردم اطمینان بهم رسانند ، وزارت حابه ها
مرتب گردد امیر بهادر - رضا نالا و سایر مستبدین
را خارج نماید ، قانون مجید سویند ، آتوق وکیل
بخواهد ، خرج وکلا را معس نماید ، ماه جاه رساسد ،
مخارج راه را داده باشد

والا احدی در مقام وکالت ویر این مارگران
بخواهد رفت ، دیگر بجهت ملت و مملکت چیزی
باب مانده تمام حاصه حت را برده ، مثلا رضا نالا
که در طهران ایسمه ظلم کرده ، سردار مسلح
شده ، املاک حاصه امار و بیاروم و برما شیر را
بست برده ، الآن گندم آنها را صد من ۲۵ تومان
برعیت میدروشد ، این املاک در راه یزد و دولت در
سابق خریده بود که مخارج مستحطس راه برد باشد ،
که سارم درس محمته دردی نیاید ، صد هزار تومان
قیمت دارد که به هزار تومان شاید همرا خریده باشد ،
امبت ایران یا کرمان و اردانی موقوف بر این است که
آبچه حاصه حت دولت بوده دو دفعه ضبط نماید که
ممکن باشد سرماز و سوار نگاه دارد و الا هرگز
امبت و ارزانی نخواهد شد ،

آبچه معلوم است از فشار ملت و مداخلت دولت
روس در آذربایجان که حائف بود مردم تبریز بپناه
عثمان برسد و راه عثمانی بقنازیه باز شود دربار را
مجبور کرده که مشروطه را اعلان نماید ، ایرانی جاهل
از شدت نفای هرگز حیر خود را نخواهد فهمید ، وملا
های رشوه خوار بی دین تا ایران را بدهن حرحه
به بدارد دست نمی کشد ، با اینکه بمقتضای پوتبک
مشروطه عثمان و ایران برای انگلیس و روس ضرر
دارد معدالک مشروطه ایرارا این دو دولت صلاح دیده
که نیای آلمان مجیدج فارس نار شود - معاهده
روس و انگلیس بجهت آلمانی بود که تجارت خود را
بایران نزدیک نموده امتیاری در سرحدات ایران حاصل
نه نماید ، لهذا موقتاً روس ها با انگلیسها دوست شده ،
خط سرحدی معین کرده و بین خود تقسیمات جنرا فبائی
نمودند که دست آلمان کوتاه شود ،

عنقریب رقابت اول روس و انگلیس زنده شده

قتون خود را مجبوراً بجهت از سرحدات شهابی خواهد
برد که انگلیسها نیز سرماز خود را از بوشرخارج نمایند
لاکن دربار ایران حاضر است که امروز باز بول
از آنها ترض کرده بر رعیت توپ خالی نماید ، و تبره
را بلکه بقسط و مثلا تعرف نماید ، دوتین مداخلت
کرده صالح دادند و تا درجه مردم را آرام کرده
لاکن ملت ایران هنوز بمجنگ خانگی مشغول بگرفته
رشوه و خوردن اوقاف بکله هم میزنند ، برخی از
مشروطه خواهان سابق که کتن بگردن می کردند بتدره
در این یکساله ظلم و تاراج کردند و بسیاری را برو
سیاه نشاید ، این است اجمال حالت این مملکت
هر وقت نظام حدید رسید وقایع را عرض میکنم ،
مکتوب نجف اشرف

هفته گذشته اجالی از شرح ورود حرم
حجه الاسلام بهای آقای آقا سید عبدالله عرض شد
که تا کون پذیرائی و استقبال از احدی در نجف
کریلا شده بود که از ایشان شد ، بعد از اینکه چه
رور رسا نشستند و مردم زیارت آن حباب منرا
شدند امرور ها مشغول نار دید میباشد ، از آن
دیروز که روز جمعه بود بجهت دیدن انصاء قرا
حابه و کتاب حابه و ملاقات هیئت علمیه نجف اشرف
آمده بودند ، اول بقرائت حابه ورود فرمودند و
از فصلاء که مصارف و مخارج قرائت حابه برده آ
است حاضر بودند ، مثل حجه الاسلام راده خراسا
و نقه الاسلام آقای آقا میرا احد - و حباب مستط
آقای آقا میرزا محمد رحیم بادکوبه و آقا شیخ اسه
حجه الاسلام راده رشتی و آقای آقا سید مهدی
آقای آقا شریف) و غیره و بعد از صرف شیرینی
قرائت حابه مرکز مقدس هیئت علمیه ورود فرمود
و نده از ارکان هیئت علمیه مثل حجج الاسلام آ
آقا سید مصطفی کانی و آقای آقا سید آقای قزوینی
آقای آقا شیخ عبدالله کاسبی کانی و غیره از فقه
و علماء حاضر بودند ، بعد از پذیرائی ، جناب
الانام شریعت مدار آقای آقا سید عبدالله انصاری
تبریک گشتن جناب حاجی شیخ حسن علاه الشهدین
قدوم مبارک آقای بهبانی و بعد از صرف شیرینی
قهوه و قاپان جناب نقه الاسلام آقای آقا میرزا
رحیم بادکوبه که یکی از رؤسای هیئت علم
از نامین و نصله و علماء نجف اشرف و

بنوائف مصر اند يك مسئله خيلى مهم پلتيكى را مطرح
 هذا كره قرار داده بعد از اظهار رأى خود از آقای
 بهائی هم رأى خواسته آن جناب هم تصویب فرموده
 تحسین زیاد نمودند ، بعد از آن از متانت اعضاء و
 انتظام هیئت علمیه تجدید فرموده مجلس ختم شد ،
 این هم هفتۀ قبل عرض شد ~~که~~ تمام معارف
 مجتهدین نجف اشرف تا وادی السلام باستقبال آقای
 بهائی رفته بودند ، شیر از آقا سید محمد کاظم یزدی که
 عمداً دو روز قبل بکوفه رفته بود و آقای شریعت
 اصنهای که در نجف بود نیامده بود ، لکن آقای
 شریعت بعد از ورود به نجف به خدمتشان مشرف
 شدند ، و آقا سید محمد کاظم یزدی هفت روز بعد از
 ورود از کوفه به نجف مراجعت کرد ، و حال آنکه
 حق اش این بود که روز اول ورود بیاید ، چنانچه
 اگر یکتر زوار عای بود روز اول ورود می آمد ،
 خاصه که از مال امام علیه السلام پیش اش باشد ، بعد
 از آمدن هم چند روز بگذشت بدیدن رفت ، لکن چند
 نفر از بهائیان که متعلق شان بود بگفتند (اگر بدیدن
 آقای بهائی نروید بر ما توهین فرموده اید) سید دید
 دل متعین میشکند ، از آنجائیکه رضایت بستگان را
 خیلی ملاحظه میکند که مبادا برنجند اجابت کرده
 پیش آقای بهائی فرستاد که وقتی برای دید معین
 کنند ، حجج الاسلام بهائی پیش از وقت دانسته بودند
 که بجهت ملاحظه خاطر بستگان می آید فرمودند ، اگر
 بجهت خاطر متعلقان میخواهد بیاید لزوم ندارد ، و
 اگر بجهت خاطر من می آید محل دید و باز دید من
 دولت سپرای آیت الله خراسانی است ، چه من مهرا
 ایشان هستم ، و خانه که من نشسته ام خانه ایست که
 برای خواب و خوراک من معین شده هر وقت میخواهند
 تشریف بیاورند منزل آیت الله دام ظلّه حاضریم ، رافع
 رفت و دیگر برنگشت ، از سید هم خبری نشد ، یعنی
 بدیدن آقای بهائی نیامد

عجبا از مثل سید جاپل وناضل نیل بهیانی نوع
 لغواء و محیی اسلام که در راه حقوق مسلمانها چه قدر
 بزرجت کشیده و از ولایت در بدر شده در گوشه محبس ها
 بجزاید و از اراذل و اوباش مستحظین و غیر
 مستحظین چه حرفهای زشت و ناگوار شنیده دیدن
 کرده اند اما از آنکه شاه مستبد عای که هر نزد عام و

این است حال سید یزدی با نوع اهل علم خاصه
 با علماء نجف اشرف که چشم ندارد احدی از آنانرا
 به بیند ،

مکتوب از بدر عباس

بموجب خبریکه رسیده حضرت حجج الاسلام لاری
 در تریه (رستاق) از توابع سبعه تشریف داشته و
 استمداد جمعیتی و قوا دیده ، تعلیقه باهالی (فن و
 رسوان) صادر فرموده (۲۰۰) نفر تفنگی با مخارج
 یکماه خاسته معلوم بیست عزم کجا دارند ، گویا عجاتاً
 بشرف (داراب) تشریف ببرند

بجم شهر حمادی الثانیه تجار هندو از میناب ۸ کیسه
 رویه سکه جهت بندر عباس توسط مکاری حمل نموده
 طاهراً در دو فرسنگی خاک میناب مکاری را گرفته از
 حمله ۸ کیسه چهار کیسه آن که (۵۰۰) رویه
 بوده رده اند - تاکنون سارق معلوم نشده

جهاز لندنی عبور از مسقط متعلقین يك از تجار
 محترم عباسی که در مسقط بودند چون وکالت آن در
 عباسی ما خود شان است سوار و ۴ حمادی الثانیه
 وارد لنگرگاه عباسی شد ، مسازین چاده و اسباب
 شان را بر حسب معمول گمرک رده و تقشش نمودند ،
 از داخل صندوق بیج قبضه تفنگ اعلى و سه قبضه
 ریوانور و مبللی فشنگ بیرون آمد - اداره کرک تفنگ
 و ریوانور و فشنگ هارا اخذ نموده سایر سامان را
 هم توقیف نموده جرمانه خواست - از قرار معلوم
 تاجر موصوف خط حرمانه به کرک سپرده و سامان
 را مرخص نموده - حالا گویا مدیر کرک مطابقه دو
 هزار و پانصد تومان جریمه میکند ، مصلحتین درمیان
 او تاده تا حرمانه به قسمی بگذراند

بر حسب خط وارده از سیرجان و شهر با يك
 انتشارات آصنجات بحد کمال است

جماعت اشرار قطاع الطريق از طایفه (قرائی)
 که از توابع فارس و قشلاق بوده در خاک توابع
 (نیریز) که تمداد شان قرب ۵۰۰ بوده از طرف
 (ده شتران) رد شده رقتند در (تکویه) و تمام
 مال و دواب و خانه ایل (قرائی) تابع سیرجان را
 چاییده مراجعت بخارس نمودند ، تخمیناً (۶۰۰۰)
 دواب همراه خود شان برده اند -
 و نیز قرب ۵۰۰ نفر از سوار و پیاده عرب در

(بی آدم اعضای یک دیگر اند)
 (که در آفرینش ز یک گوهراند)
 (چه عضوی بدرد آورد روزگار)
 (دگر عضوها را نماند قرار)

ما اطمینان داریم که مقاصد دانشمندان دانشمندان کبته شما خواهد برآمد در بر طرف نمودن بعضی خرابیها که ایرانیان را تکلیف رسان است، ما یقین داریم که چون شما در زیر سایه مشروطیت سلطنت خود عهد را با سایش بسر می برید فراموش نخواهید نمود اهالی ایران را که دلشان از ظلم و استبداد پر خون است توفیقات شما را از خداوند مسئلت می نمایم

(الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

متر - ای - جی - برون یس از نکارش ترجمه این مکتوب از طرف خود می نگارد که نویسنده این خط یک از بزرگ ترین مجتهدینی میباشد که در کربلا و نجف اشرف مقیم اند، واقعا چنین خط از نزد چنین بزرگواری نزد مردمان غیر مسلم خارجه عظیم باید شمرد، و خیلی اعتماد و خصوصیت از انگلیس در قلوب مسلمانان پیدا نمود و اعتماد کامل بر عقل و داد و بی خواهی انگلیس در مشرق زمین پیدا مینماید

نقل از روزنامه شریفه خراسان

(حوادث شهری)

شب شنبه ۱۶ ماه چهار ساعت و نیم از شب گذشته متجاوز از بیست نفر اشخاص مسلح دفعتا وارد حیاط پیرونی حاجی اعتضاد التولیه گردیده، چند نفر از محترمین و کسان آنها را که در هانشب بحسب دعوت در آنجا حاضر بودند اعلان دادند که از حضور و بر متفرق شوند، بلافاصله حاجی اعتضاد را با هفت یا هشت تیر تفنگ بقتل رسانیده کاشدی در روی سینه او گذاشته باور آرامی مراجعت نمودند، از قرار مسوع کاغذ مزبور مشتمل بر مضمون ذیل بود: ماست چهار روز قبل عموم اجله واعیان و علماء و آقایان ارض اقدس از طرف هیئت مجاهدین با نهایت احترام به آستان مبارکه دعوت شدند و در آن محضر مقدس قرآن مجید را حکم قرار داده قسم یاد نمودند که از اتحاد و اتفاق در موافقت با انسان مشروطیت بکلیت تمایزند، حاجی اعتضاد التولیه مسکه از رساله توحید خراسان برداشتن علی را از رساله توحید خراسان

و چاپیدن دهات و فسنجان کوتاهی نکرده و آنچه قراء آباد و فسنجان بوده از غارت خراب نموده اند و تمام اهالی را لغت و عریان کرده برگشتند - مختصرا اشترار فارس آبادی در توابع کرمان و سیرجان باقی نگذاشته، نه سرکر ایالت والی دارد نه بلوک حاکم و نه قصبه ضابط و نه دهسات کلانتر - امور تمام مختل - راه ها ناامن - بی نظمی و دزدی فراوان

امنیت و نظم فارس و کرمان و قطع دزدی بسته باین است که حضرت والا ظل السلطان بایالت فارس و شاهزاده فرما فرما بایالت کرمان مقرر شوند، و اگر غیر از این باشد تا مدتها این دو خطه آرام و امن نخواهد شد و بی نظمی هر روز زیاد خواهد گردید

تعلیقه حضرت آیه الله خراسانی

(به کینه ایران در لندن)

(ترجمه از مارتنک پست)

(۱۲ می)

متر - ای - جی - برون پروفیسر کبرج کالج که یک از هواداران حریت ایران است مینویسد که بتوسط من دستخط ذیل به کینه ایران فرستاده شده، در آن مکتوب تشکر زیاد از دوستداران لندن ایران فرموده و امتنان از خدماتیکه درباره آزادی ایران مینمایند ظاهر داشته اند، ترجمه خط مزبور از این قرار است

من اعضای با عز و تمکین کینه ایران مقیم لندن را خاصه آن رؤسا و اعضائیکه در این راه خدمت میکنند آگاهی میدهم که مرده های ذیقیمتیکه از خدمات فوق العاده آن دوستان انسانیت شده اثر بسیار نیکویی در قلوب ایرانیان افکنده است، و از بی رحمی بعضی همسایگان و حتی که لطافت و خدمات زیاد بر ما درین موقع رسانده و جلوگیری هائیکه از طرف کینه محترم شده و میشود خیلی ممنون و مشکور هستم، و از تدارکات مافلان که آن کینه اختیار نموده خوشوقی داریم، و چه قدر ممنون هستیم که شما شریک و یار ایرانیان میباشید، و وقت عزیز خودتان را صرف پیشرفت مقاصد آنها می نمایند، و در ترقی و آزادی همجنسان خود از ابناء نوع سعی هستید، ظاهر است راه نمائی و درد مندی و انسانیت و دستگیری ببناء جنس خود نمی نمایند مگر آنهاست که تعلیم یافته در مدارس انسانیت و درد مندی اند

و ملتی خود فانی و بیخبر نداشته امید و میثاق با
کلام خدا را زلفی نگذاشته با دشمن دین و وطن ما
بعضای سرودات سری و اقدامات و تحریکات مخفی
گذاشت ، کینه سری خراسان برای تیرت مقلان
هو مارا بتل او مأمور ساختند (فاتتبروا یا اولی الابصار)
۱۸ روز دو شب ۱۸ ماه نایب یوسفخان بیگلر بیکی
را بجزم همراهی با اشرا و خباثیهای چند به انجمن
ایالتی احضار کرده ، بعد از مذاکرات از عهده
بیگلر بیکی گری منصل و مقارن وقت ظهر از طرف
مجاهدین سر شور با چند تیر تفنگ مقتول شد و
جناب شجاع الایاله که از فوات با کتایت کار آزموده
میباشند از روی لیاقت از طرف آقایان عظام بسمت
بیگلر بیکی ممن گردیدند .

پروست تلگرافی انجمن ایالتی خراسان
(به پارلمانها و دربارهای دول معظمه)

امالی خراسان متصدن عالم را خطاب نموده
خواسته کارند که تیل از احازه پارلمان ایران بدولت
قرض ندهند .

مات ایران همچگونه قرض حدیدی را تا پارلمان
بموجب (کنسرتوسینون) که مجدداً برقرار شده است
تصویب نکرده باشد نمیتواند خود را مدیون آن قرض
بداند

ما بطور سختی از مداخله در امور داخله که از
زمان ورود قشون روس در تریاید است پروست میکنیم
(انجمن ایالتی خراسان)

پروست تلگرافی الحرار تبریز
(بزریعه روزنامهجات فرنگ)

این از ورود قشون روس به آذربایجان وحشیانه
شروع نمودند به پایال نمودن حقوقی را که ما ملت
مظلوم با هراران جان فشان و فداکاری حاصل نموده
ایم - با اینکه مکرر بدم مداخلت مسلحه بایران را
در ساء روس اعلان نموده بود -

اینک خیاله دارد تصرف در عمل حکومت تبریز
در امور بادی را بدست خود گیرد - و باوجود
اینکه در امور عمومی سر کرده روس دارد
ایران را بدون گناه واستقلالت بگیرد وادیت

جان و مال خود در راه حقوق ملی دریغ نکرده
و آزادی ملک و ملت خویش را آرزومند بوده
بایداری حقوق وطنیه خود را بنفیه جان خواسته اند ،
پروست میکنیم تمام دنیا و استدعا داریم از دردمندان
اسایت دوست که نگذارند ما را بدست وحشیان فانی
شویم ، و نیز استدعا می نمائیم تربیت یاتسکان اروپا را
که مدد نمایند این ملت رحمت رسیده را سکه تمام
آرزویشان در برقراری آزادی و استقلال ملت خود
می باشد ، اگر چه ما از شداید و سختی در شربندر
حانه دولت تلیه عثمانی بناهنده شده ایم ولی باز هم ما
همان آواز رسای خود در تصرفات بجای قشون روسی
اتراض مینمائیم ، و باتمام قوای خویش مدافعه وحشیانه
طلان را از خود خواهیم نمود -

اعلان

به تمام ادارات جراید ملی فارسی داخله و خارجه
اعلام میدارم چون مسافرت اختیار نموده ام در تربیت
بنده جناب عمده التحار آقا مشهدی حاج آقا رضازاده
تاجر رشتی از انزلی متصدی امور وکالت هستم تمام
اخبارات و جراید ملی را بنام ایشان انزلی ارسال
دارید عما قریب حرکت بنده از حاجی ترخان انزلی
ممن و بعد از حرکت و ورود انزلی کتباً و تکراراً
عرض خواهد شد و کپل جراید ملی انزلی میرزا اوذر

تلگرافات

اعضای (دوما) ی روس وارد انگلستان شدند ،
روزنامهجات تبریک ورودشان را نوشته و می نویسند این
قبیل ملاقات ها مورث ترقی و اتحاد دولتین انگلیس و
روس تواند گردید

(دلی میل) می نویسد کپانی (قنال سوز) با
حکومت (مصر) در امتداد مدت بخاره می کند و
اراده دارد که سرمایه خود را زیاد بدهد و قنال
جدیدی مقابل قنال حاله حذر نماید

(سر ادورد گری) در مجلس شورای ملی دیروز
عصر اظهار داشت که دول محافظ جزیره (کرید) را
اراده اینست قشون خود شان را در حولائی رجعت
دهند ، فقط یک جهاز جنگی در آنای (کرید) برای
محافظه نشان عثمانی و قیام امنیت و محافظت رعایای مسلمان
آنجا توقف خواهد داشت

پارلمان فرانسه استراض (۴۷۸۲۷۴۰) لغوا نموده از

آنجمه (۱۰۹۴۲۸۰) لیرا از لندن استقراض خواهد شد
 § تداركات مجلس ملی فرانسه ظاهر داشته که جہازات جنگی ناقص و بدنظم است، با اینکه در عرصه ده سال (۱۲۰) ملیون لیرا مصارف آن شده مع ذلک دستجات بحری فرانسه بمدارج شق از دستجات بحری آلمان ناقص تر و آلمان بمقابل فرانسه مخارج کتر نموده، جہازات تعمیر شده جدید فرانسه هم تا سادای دراز قابل کارزار نخواهند شد، توہائش این قدر خراب است کہ در بحر روم ترک مشق نموده، گاوله های خراب بسیار تا کمون قورخانہ بحری را برداشته و عجب تر آنکہ دنورهم آن قسم گاوله ها درست می کنند

(۶ ج ۲ - ۲۵ جون)

§ اوضاع (مراکو) باز دارد نازک می شود چه (سلطان) در (اروعی) و (بوہامارا) نزدیک (فیض) دو دفعه از مدعیان سلطنت شکست یافته

(۸ ج ۲ - ۲۷ جون)

§ بطریق نیم رسمی بیان می شود کہ برس (بولو) از قیصر آلمان اجازة تقدیم استعنای خود را خواسته قیصر انکار نموده کہ تا وقتی نتایج زحمت برس مرور ظاهر بشود استعنای او قبول نخواهد شد، ولی محققاً برس (بولو) مصمم تقدیم استعنا میباشد

(۱۲ ج ۲ - اول جولائی)

§ بسبب زلزلہ بی در پی مسینا و نواح آن خراب زیاد وارد و مردم بسیار زیر آوار رفته اند

(۱۳ ج ۲ - ۲ جولائی)

§ وقایع نکار (تریبیون) از واشنگتن مینویسد کہ عقرب رسامہ اعلان خواهد یافت کہ صرافان امریکا ربع ترصہ راہ آہن (ہنکو - ویشون) را تسلیم نمایند - دولت انگلیس در این خصوص رضایت خود را اظهار داشته است

§ در مسینا مجدداً زلزلہ احساس شده است

(۱۶ ج ۲ - ۵ جولائی)

§ مخبر روتر ار (بیکن) خبر میدهد کہ دولت انگلیس، اطیش و مجارستان، و اتازونی - اعلان نموده اند کہ مبادعہ روس و چین را در خصوص راہ آہن منچوریا منظور نتواند نمود

(۱۸ ج ۲ - ۷ جولائی)

§ طغیان آب در (کولارید - آمبو - موری - و مکسیکو) شدت ظاهر و مورث ملیون ها خسارہ

شده و هزاران قومی بی خلیان گردیده اند
 (میو ہوبا سکوف) رئیس دومای روسی در پترسبرگ حین ملاقات با مخبر روتر اظهار داشته کہ از مسافرت اہنای (دوما) بہ انگلستان نتایج نیکو حاصلہ تواند گردید - عقیدہ مشارالہ این است کہ باید منہای سی دوازدیاد اتحاد بن روس و انگلیس بشود § امپرادور و امپراتریس روس سہ روزہ ختم سہاحت (لکشاہر) را نمودند، در این سہاحت ملاحظہ سان قشون را ہم فرمودہ ایقان خودشان را اظهار داشتند کہ امروز ہیچگونہ جنگ نخواهد شد ولی برای اذعان امنیت تدارک و انتظام جنگی باید بشود

§ مخبر (روتر) را خبر رسیده کہ ادارہ حربیہ انگلیس حکومت (استرلیا) را مطلع نموده کہ دولت را تذری بست کہ (لارڈ کچنر) جہت اصلاح قشون (استرلیا) مترر شود ولی هنوز رأی (لارڈ کچنر) درین باب ظاهر نہ شده است

(۱۹ ج ۲ - ۸ جولائی)

§ تلگرافی از (مابورن) رسیده کہ (مستردیکن) بطریق رسمی (لارڈ کچنر) را برای رفتن بہ (استرلیا) دعوت خواهد کرد

(۲۰ ج ۲ - ۹ جولائی)

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده کہ مجلس ملی مسودہ قانون گمرک را با (۴۵) بمقابلہ (۳۴) رأی اہم داشت

§ ملخص ترجمہ اخبارات خارجہ

(راجہ ہاران)

§ طمس مینویسد، یک از ملازمین سہارت انگلیس ما یک از عہدہ داران در اہراف (قلمک) سواہ میرفتند، سپاہیان دولت برآہا حملہ نموده ناچار آنہا بسارت بازگشتہ عہدہ دار مذکور با دو غلام و یک قزاق مراجعت و بانی فساد را گرفتار نمودند

این واقعہ خیلی اسباب نگرانی سہارت شده است § ستار خان و باقر خان و تی زادہ از تجاوزات روسیان صبح ۲۱ می پس از آنیکہ پناہندگی آنہا را قونسل انگلیس قبول نمود بہ شہیندرخانہ عثمانی پناہندہ شدند، مظنون است کہ پناہندگان شہیندرخانہ عثمانی عقرب زیاد شدہ و بازارها را بہ بندند

§ اوضاع آذربایجان خیلی خنوبی

تصرف شده اند

خبرهای موثقی از سرحدات عثمانی و ایران
 سموع می شود، میگویند دسته از قشون عثمانی در
 (گوجی) رسیده که بن شاه راه ارومیه و سلماس
 است، و دو هزارگرد ایرانی با توپخانه به فرماندهی
 با یزید آقا از رطایب عثمانی در ساوجبلاغ وارد و شهر
 را تصرف آورده و تمام راه های بین سرحد را تا
 مراغه قبضه خود دارند، حکومت شاه در ساوجبلاغ
 از قونسل روس مقیم تبریز خاستکارکک شده و خیلی
 از عیسویان را در میان دو آب کشته اند، ارمی ها
 هم برای محافظه خود استعانه می نمایند، حرکات
 عثمانیان مزید تشویش شده، و چنان کان می رود که
 انقلابات سرحدی ایران بش از پیش کسب اهمیت نماید
 و اهالی تبریز هم سختی رفتار روسیان را رفته رفته
 دارند احساس می نمایند، علاوه بر ستار خان و باقر
 خان صدها فدائیان ملی در قوسلخانه عثمانی با همده
 شده اند، و این خبر که در طهران رسیده هیجانی
 در اهالی پیدا کرده و يك زبان میگویند، اقدامات
 دولتین روس و انگلیس باسم انعقاد مجلس مضر بحال
 ایران است، متاسفانه دیده می شود آنچه اقدامات
 خالصانه دولتین انگلیس و روس را حرکات يك افسر
 روسی در تبریز پایمال و بر باد میدهد

چون کابینه وزرا محواعتات مناسبه کابینه ملبه
 همراهی ننموده اعصای کابینه کاره جوئی ارکار اختیار
 نموده اند، و ناصر الملک هم بواسطه عدم اطمینانیکه
 دارد به بهانه کارهای شخصی انکار از قبول عهده
 جدید نموده است

روسها شرایط استقراض خرد را نرم نموده کابینه
 را پیش از پیش مائل ساخته اند، در هر صورت
 پیشرفت اصلاحات در ایران دشوار بنظر می آید

آقا سید عبدالحین که مغلوب پسران توام شد
 مجدداً در لارستان نائره حرب را دارد شمله ور
 می سازد، انتشارش جنون ایران بحدکمال است، دولت
 یاندازه ضعیف شده که از عهده انتظام بیرون نتواند
 آمد، و تا زمانیکه قوه صحیحی در کار نیاید انتظام
 نمیتواند شد

یازده روز قبل هشتی مسکه برای ترتیب قانون
 انتخابات تشکیل شده اطمینان میداد که همین چند روزه
 خواهد بود که تمام اصلاحات را به دست خواهد آورد

مدتی دیگر هم کار دارد، و این امر سبب التوای پارلمان
 میگردد، و امروزه التوای پارلمان مضر بحال مملکت
 است، اگرچه تدقیق و تحقیق امور لازم است ولی
 الزم بر آن انجام کار است، کابینه ملبه را اقدامات
 وزراء تشقی بخش شده و عقیده آنها این است که
 این وزراء از عهده کار بر نمی آید، کابینه مرور
 میدوید که ملتبان مقتدر اند و ایسکه حکومت مشروطه
 را به رور شمشیر در ایران قائم نموده پیشرفت دهند
 و اگر پای خارجه در میان بود کارها تا کنون انجام
 یاتد بود

مارنگ پست مینویسد، که دست دراری زاقان
 طهران به بعضی دکاکینکه تصویر ستار خان و سایر
 سرداران ملی را میزورحتند باعث اضطراب اهالی
 گردیده است

حکومت ساوجبلاغ که پیرو خیالات مستبدین بوده
 و طاهر داشته است که روسیان باید شر را در بناه
 خود گرفته تا امنیت قائم گردد

محتشم السلطنه را که احرار ارومیه در سلماس
 قید عوده بودند حسب الحکم احلال الملک نائب الحکومه
 تبریز آزاد نمودند

ساوجبلاغ بدون مدافعه در قبضه قشون عثمانی
 در آمد، اهالی ارومیه نیز میخواهد خود را در بناه
 عثمانی کشد

روسیان در تبریز خیلی زیادتی میباید چنانچه
 يك ار وکلای انجمن را به سزایه اینکه رعیت روس
 است و حال ایسکه ابداً محقق نیست گرفته و ده نفر نیز
 از رعایای ایران را گرفتار نموده خانه شان را با
 دیبامیت خراب نموده اند

اوضاع بلتیک آیران خیلی مقلب بنظر می آید انجمن
 تبریز به کابینه ملبه طهران که منصل شده تلگراف
 منصلی نموده و در آن اقدامات جبریّه روسها را که
 تصرف در امور حکومتی می نمایند اظهار داشته، در
 همین تلگراف بیان شده که روسها اسلحه از دست
 (۱۸) ژاندرام گرفته و همین قسم از دست دو نفر از
 انضای کیسیون سرحدی جدا

دوات هنوز جواب ملت را نداده است که سبب
 بهم خوردن کابینه ملبه طهران چیست ؟
 اخبار (رسکولور) تلگرافی را از تبریز اشاعت
 داده که قشون روس ۷۰ نفر احرار را گرفتار کرده

ستار خان در این باب با شاه مخبره کرده شاه هم
بوزیر خارجه حکم داده که از قونسل روس مرخصی
آنها را بخواهند ، قونسل تبریز نیز جواب داده که
به پترسبرگ اطلاع داده من بعد جواب خواهم داد ،
نی با اینکه دولت روس رسماً بجمع دول اعلام نمود
که پس از برقراری امنیت تشون خود را از آذربایجان
خواهد طلبید ، اینک که همه قسم امنیت در تبریز
حاصل آمده معلوم نیست چرا روس بوعده خود وفا
نمی نماید

§ سردار روسی قسمی تدارک می بیند که ریشه
مشروطیت را از خاک ایران برکند ، ازین رو آن امپد
صلح و امنیتی که چند هفته پیش در ایران میرفت از
اقدامات و حیثانه یک سردار روسی بکلی مرتفع گردیده
است ، چنانچه شخصی مانند تقی زاده را که عالی بدانی
او مترف هستند چنانش در فشار آورده که لابد گردید
در شهیندر خانه عثمانی پناهنده شود ، همین یک نکته
در شرارت افسر روسی کافی تواند بود ، در هر صورت
این امر خیلی قابل اسف است که با آنچه مساعی
دولتین که کمورت بین شاه و رعایا را مرتفع دارند
و نزدیک بود کارها هم صورت بندد حرکات یک افسر
روس تمام را منقلب ساخت

§ خبر تازه که رسیده تشون عثمانی خوی - سلماس
و ارومیه را تصاحب نموده اند

§ قونسل جنرال روس مقیم تبریز از پترسبرگ کمک
تشون در آذربایجان خواسته بود منظور نشده است
§ ارومیه نزدیک به تبریز و خوی و مراغه و سلماس
و ساوجبلاغ هم نزدیک یک دیگر و تمام این شهرها
به تصرف مشروطه نامباند و خیلی خوف باخلاق سرحد
عثمانی میرود چون خوی متصل براه جلنا می شود در
قبضه عثمانی منافع روس را خیلی تحدید خواهد نمود
§ اخبار (رسکولوو) مینویسد عثمانیان جدا در
مخالات ما در مشبه آذربایجان آماده اند و خوف
جنگ عظیم میرود

§ ستار خان زاید اوصاف محل توجه و عداوت
سردار روسی گردیده ، چنانچه خواسته به بهانه
خساره راه جلنا خانه او را تصاحب نماید ، ولی شهیندر
عثمانی علم خود را در بالای عارت وی بلند نموده بود ،
ازین ملاحظه روسها نا امید شدند
§ وقایع نکار طمس از طهران خبر داده که دولت

روس خفاش دارگون معلوم می شود در خلاف
اعلانی که داده نمی خواهند تشون خود را از تبریز
حرکت دهد ، و روسها ابدأ این موقع را به ایران
از دست نمی دهند ، در هر مقامی که تشون روس وارد
شده تمام شان در پامال نمودن حقوق ملی و مشروطیت
است ، و بموجب خبریکه بتازگی از طهران رسیده
روس در پای تخت نیز دست بالا را اختیار کرده است
نی اهالی آذربایجان چون مأیوس از بهبودی حال
ایران شده و می بینند روسها هم روزه بر تصرفات
خویش می افزایند از روی حکمال نا امیدی مصمم
شده اند که اگر اوضاع ایران آرایش نیابد و روس
پیش پای خود نه نشیند خویشین را تحت بیرق عثمانی
موقتاً در آورند و تصرفات عثمانی را بر ایران نسبت
بروس گوارا تر میدانند ، هیچ تلاقی که بتوان
امیدوار شد بین رعایا و شاه صاج شود دیده نمی شود
نی شهیندر عثمانی اعلان داده که دعاوی بر ستارخان
و باقر خان سرداران احرار باید بتوسط او پیش شود
نی برخی از جرائد مینویسند که رفته رفته خطایای
پلتیکی انگلیس و روس ظاهر می شود که عثمانی را
در معاهده خود درباره ایران شریک نساختند
- نقل از روزنامه شریفه بومه حبل المتین -
- طهران -

از قرار خبر موتی که اکنون بدست آمده ملاحظه
آلمان در ایران محقق است ، لایحه که اکنون از بران
(پای تخت آلمان) رسیده بیان میکند که در بران الان
یک کابینه از ایرانیان و دیپلماتهای آلمانی تشکیل یافته
است دو کتران مشهور آلمان دو کتر (روباخ) و دو کتر
(ان سبتوس) در آن کابینه عضویت دارند و از آنجا
میباشند ،

این حضرات در خصوص امور ایران اقدامات
جدی خواهند کرد و ملت آلمان را دوباره ایران
بهیجان مپاورند ، نمایندگان همین کابینه با چند نفر از
امنای وزارت خارجه به کابینه وزرای آلمان رفته و
حمایت امپراطور آلمان را باهالی ایران استراحت کرده
اند ، کابینه وزرا جواب داده اند که ایرانیان
نترسند هیچ دولت نمی تواند وطن شان را تصرف
نصب نماید و اگر هم چنین تلاشی شود جنگ
شروع خواهد شد ، بدین جهت آلمان روزی
در قلوب ملت ایران است

0

1

1

1

1 1

